

چاپ ششم

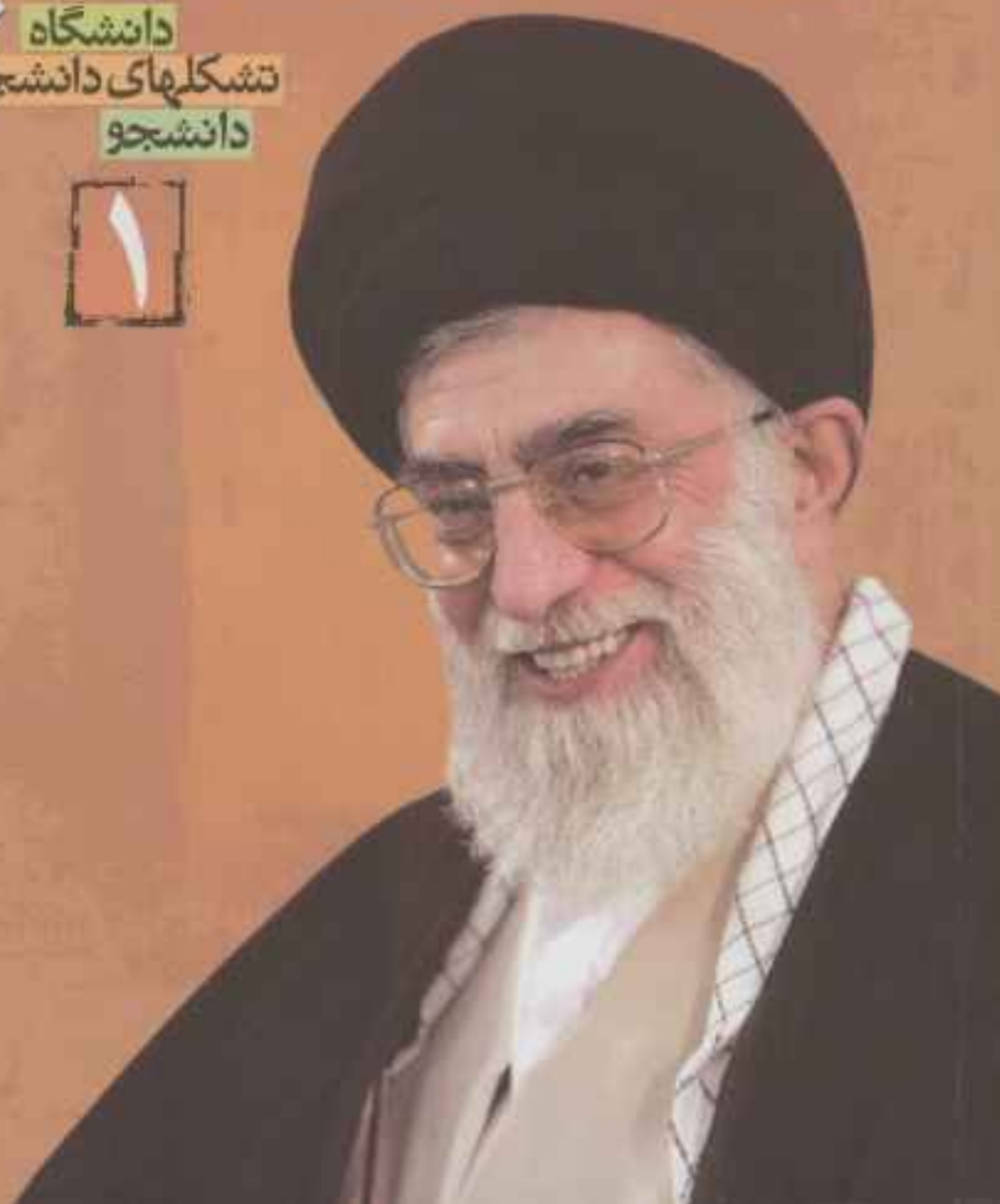
گزیده بیانات
رهبر فرزانه انقلاب
در جمع دانشجویان
و دانشگاهیان

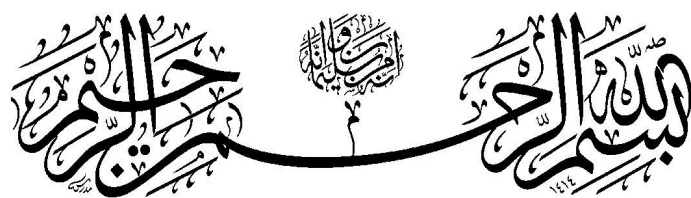
نکته‌های ناب

دانشگاه

تشکلهای دانشجویی

دانشجو



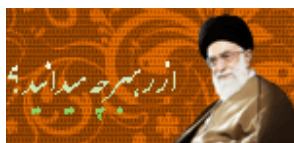


کتاب نکته های ناب

جلد ۱ : بیانات رهبر در جمع دانشجویان

تهیه کننده : وبلاک شناخت رهبری ، آیت الله خامنه ای

www.leader-khamenei.com



برای خواندن کتاب روی صفحه کلیک راست کرده
و گزینه rotate clockwise را انتخاب کنید .



نکته‌های ناب (جلد اول)

نظارت: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

معاونت آموزش و تبلیغ

تدوین و تنظیم: حسن قدوسی زاده

حروفچینی و صفحه‌آرایی: امیر حسین علیزاده

ناشر: دفتر نشر معارف

چاپ هفتم: بهار ۱۳۸۸

چاپخانه: پاسدار اسلام

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰ (تومان)

شابک جلد ۱: ۹۸ - ۸۵۲۳ - ۹۶۲

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش

۱. قم: بلوار امین - بلوار جمهوری - معازرت آموزش و تبلیغ، تلفن: ۲۹۰۴۴۴۰
۲. مدیریت پخش نشر معارف: قم: خیابان شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۳، تلفن و شماره: ۷۷۴۴۶۱۶
۳. فروشگاه شماره ۱: قم: خیابان شهدا، روبروی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۷۷۳۵۲۵۱
۴. فروشگاه شماره ۲: تهران: خیابان انقلاب، چهارراه قالیچ، پلاک ۷۹۱، تلفن: ۸۸۹۱۱۲۱۲، شماره: ۸۸۸۰۹۳۸۶

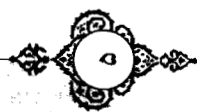
نشانی اینترنت: WWW.nashremaaref.ir

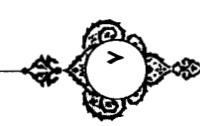
پست الکترونیک: info@nashremaaref.ir

فهرست

فصل اول: دانشگاه

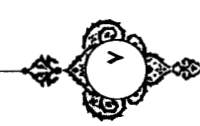
۱. اهمیت دانشگاه به اندازه اهمیت آینده کشور است ۱۵
۲. مسئله دانشگاه‌ها، جزو مسائل طراز اول انقلاب و کشور است ۱۵
۳. انتظار جامعه امروز ما از دانشگاه ۱۶
۴. ریاست دانشگاه‌ها باید ریاست علمی باشد، علم با عمل و اعتقاد ۱۶
۵. باید در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بی‌زاری از وابستگی را مورد توجه قرار دهیم ... ۱۷
۶. بنای دانشگاه در کشور ما از ابتدا یک بنای غیر دینی بوده است، باید دین را در دانشگاه‌ها زنده کرد ۱۸
۷. دانشگاه بیگانه و جدای از دین، فاجدهای غیر قابل جبران ۱۸
۸. ویژگی‌های محیط دانشگاه ۱۹
۹. محیط دانشگاه باید محیط دینی و دانشجوی باید متدین باشد ۲۰
۱۰. محیط دانشگاه را به گونه‌ای آماده کنید که حزب‌اللهی در آن رشد کند ۲۱
۱۱. اجازه ندهید در محیط دانشگاه‌ها نسبت به حجاب اسلامی بی‌احترامی کنند ۲۲



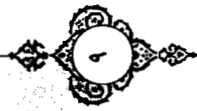


- ۱۲. باید ارزش های اسلامی در دانشگاه مورد مسابقه قرار گیرد..... ۲۲
- ۱۳. اعتکاف دانشجویان حقیقتاً مایه افتخار نظام است..... ۲۳
- ۱۴. باید روحیه تعبد در دانشجویان رشد کند..... ۲۳
- ۱۵. دانشگاه ها باید به صورت عملی، به علم اهمیت بدهند..... ۲۴
- ۱۶. طرفدار دانشگاهی هستیم که اعتلاطلب، فعال و از لحاظ علمی و فکری پرنشاط باشد..... ۲۵
- ۱۷. انقلاب، دانشگاه را از دو آفت بزرگ نجات داد..... ۲۵
- ۱۸. دانشگاهی که در آن نبض انقلاب تزند، تضمین کننده آینده کشور نیست..... ۲۷
- ۱۹. باید محصول دانشگاه های ما دانشجوی انقلابی مثبت، فعال و متعهد باشد..... ۲۷
- ۲۰. ضدیت با نظام، شایسته دانشگاه نیست..... ۲۹
- ۲۱. اینکه من اصرار دارم محیط دانشگاه محیط هوشیاری و محیط سیاسی باشد برای این است که:..... ۳۰
- ۲۲. محیط دانشگاه باید سیاسی باشد، یعنی چه؟..... ۳۱
- ۲۳. اهمیت تحرک سیاسی در دانشگاه و خصوصیات آن..... ۳۲
- ۲۴. دانشگاه نباید میدان تاخت و تاز سیاست بازار حرفای شود..... ۳۳
- ۲۵. دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشد، تا فریب نخورد..... ۳۴
- ۲۶. دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت ها و نقش آفرینی متحجران سیاسی..... ۳۵
- ۲۷. معنای اسلامی کردن دانشگاه ها و ویژگی های دانشگاه اسلامی..... ۳۵
- ۲۸. منظور من از اهتمام به اسلامی شدن دانشگاه این است که:..... ۳۷
- ۲۹. معنای وحدت حوزه و دانشگاه..... ۳۸
- ۳۰. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی حرکت با به پای علم و دین..... ۳۸
- ۳۱. باید همکاری و وحدت حوزه و دانشگاه را قدر بدانیم و آن را روز به روز تقویت کنیم..... ۳۹
- ۳۲. اهمیت وجود دفاتر نهاد رهبری در دانشگاه ها..... ۴۰
- ۳۳. هدف از حضور روحانیون در دانشگاه ها، تحقق رسالت پیامبران در سطحی نازل تر است..... ۴۱
- ۳۴. خصوصیات روحانیونی که در دانشگاه ها فعالیت دارند..... ۴۲

- ۳۵. تلاش برای حذف روحانیت از محیط سیاسی و دانشجویی، کار ساده و فقط صنفی نیست..... ۴۵
- ۳۶. هدف از تبلیغات علیه روحانیت، ضربه زدن به دین بود..... ۴۶
- ۳۷. برگزاری اردوهای دانشجویی مختلط کار بسیار بی فاعله و غلطی است..... ۴۷
- ۳۸. نباید در دانشگاه ها موسیقی ترویج شود..... ۴۸
- ۳۹. جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است..... ۴۹
- ۴۰. اهمیت کار فرهنگی در دانشگاه ها..... ۵۰
- ۴۱. اسناد ایده آل..... ۵۰
- ۴۲. استاد می تواند دانشجوی خود را متدین بار بیاورد، چنان که می تواند منکر همه مقدسات هم بار بیاورد!..... ۵۱
- ۴۳. با چنین اسنادی باید برخورد خشن بشود..... ۵۲
- ۴۴. دانشجوی کیست؟..... ۵۷
- ۴۵. دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو..... ۵۹
- ۴۶. ارزش های بزرگی که دانشجویان ما به آن آراستند و لازم است آن را حفظ کنند..... ۶۰
- ۴۷. خودسازی فکری، اخلاقی و انقلابی برای دانشجویان یک فریضه است..... ۶۱
- ۴۸. دانشجوی متدین و حزب اللهی کسی است که:..... ۶۲
- ۴۹. برداشت و توقع بنده و نظام اسلامی از جماعت دانشجو این است که:..... ۶۲
- ۵۰. مشکلات مسئله ساز دانشجویان..... ۶۳
- ۵۱. دانشجو باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید..... ۶۶
- ۵۲. باید روحیه عدالت خواهی را در دانشجویان تقویت کنیم..... ۶۷
- ۵۳. آنچه شما دانشجویان باید از مسئولین نظام مطالبه کنید عدالت و رفع فساد است..... ۶۸
- ۵۴. دانشجویان و انگیزه های نامبارک دشمنان..... ۷۰
- ۵۵. تلاش کنید کشورتان را از همه جهت مستقل کنید..... ۷۱



فصل دوم: دانشجو



- ۷۴. پایه‌های فکری، ایمانی و معرفتی خود و سایر دانشجویان را با ارتباطات معنوی اثرگذار تقویت کنید.....
- ۷۵. تشکل دانشجویی باید حرکتش در جهت کیفیت بخشیدن به ارزش‌های دین و انقلاب باشد
- ۷۶. اصرار ندارم که همه تشکل‌های دانشجویی یکی شوند.....
- ۷۷. اتحاد تشکل‌های دانشجویی.....
- ۷۸. هشدار به انجمن‌های اسلامی دانشجویی.....
- ۷۹. بسیج یعنی چه؟.....
- ۸۰. آن کسی که آماده است در جهت تحقق آرزوها و آرمان‌های مادی و معنوی مردم کشور تلاش کند، در هر پست و مقامی باشد، بسیجی است.....
- ۸۱. ویژگی‌های بسیج دانشجویی.....
- ۸۲. دو بسیج عمده در این کشور لازم است.....
- ۸۳. بسیجی در دانشگاه یک نگاه به دانشگاه دارد یک نگاه به دنیا.....
- ۸۴. دشمن از وجود بسیج عصبانی است، قدر بسیج را بدانید.....
- ۸۵. نگذارید بسیج را به میدان درگیری و کسمکش بکشانند.....



- ۵۶. عقب ماندگی‌های کشور، نتیجه بی‌اعتقاد کردن قشر تحصیل کرده به فرهنگ و دانش خودی است.....
- ۵۷. دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشد، تا فریب نخورد.....
- ۵۸. دانشجویی که تحلیل سیاسی نداشته باشد، مرد زمان خودش نیست!.....
- ۵۹. سیاسی بودن دانشجوی یعنی.....
- ۶۰. یک ویژگی مثبت و یک ویژگی منفی محیط دانشجویی.....
- ۶۱. پیداری دانشجویی (جنبش دانشجویی) مفولهای است صدر در صد دانشجویی.....
- ۶۲. علل و منشا پیداری (جنبش) دانشجویی.....
- ۶۳. خصوصیات پیداری (جنبش) دانشجویی.....
- ۶۴. آفات جنبش دانشجویی.....
- ۶۵. دانشجویان السیادی و برجسته علمی، ثروت‌های ملی کشوراند.....
- ۶۶. خروج از کشور برای ادامه تحصیل را با این شرایط قبول دارم.....
- ۶۷. اگر برای تحصیل به خارج از کشور می‌روید مراقب باشید هویت ملی و فرهنگی خود را گم نکنید.....
- ۶۸. اینکه نخبگان برای تکمیل معلوماتشان به خارج می‌روند مانعی ندارد، اما.....
- ۶۹. یک انسان نخبه زمانی سربلند است که بتواند در بهبود اوضاع کشور و ملت خودش نقش ایفا کند.....
- ۷۰. هر چه عالم‌تر و نخبه‌تر می‌شوید، متواضع‌تر و مردمی‌تر شوید.....

فصل سوم: تشکل‌های دانشجویی

- ۷۱. ویژگی‌هایی که اگر در تشکل‌های دانشجویی فراهم آید، آن مجموعه از مبارک‌ترین مجموعه‌ها است.....
- ۷۲. سه وظیفه اساسی تشکل‌های دانشجویی.....
- ۷۳. ارتقای فکری دانشجویان در زمینه فرهنگ و سیاست باید در صدر فعالیت تشکل‌های دانشجویی قرار گیرد.....



۱. اهمیت دانشگاه به اندازه اهمیت آینده کشور است
اهمیت دانشگاه، به قدر اهمیت آینده کشور است. اگر ما می خواهیم در آینده، یک کشور بزرگ، آباد، پیشرفته، متمدن و دارای دو جناح مادی و معنوی باشیم، باید به دانشگاه بپردازیم؛ چاره‌ای نداریم. همه چیز ما باید علمی باشد. امروز بدون ابزار علم و بدون رؤیت علمی، نمی شود در دنیا قدم از قدم برداشت و موفق شد.^۱

۲. مسئله دانشگاه‌ها، جزو مسائل طراز اول انقلاب و کشور است
ما می توانیم به صورت قاطع ادعا کنیم که در نظر رهبر فقید ما، مسئله دانشگاه‌ها، جزو مسائل طراز اول برای انقلاب و کشور بوده است. یک وقتی در دیدار جمعی از مسئولان فرهنگی کشور ایشان فرمودند: مسئله جنگ، یک امر موقت است؛ در صورتی که مسئله مهم و ماندگار و اساسی ما، دانشگاه‌هاست.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۲/۶.



این، یک واقعیت است. دانشگاه که قوام اصلی آن به استاد و دانشجوست، حقیقتاً پایه‌ای برای آینده کشور محسوب می‌شود.^۱

۳. انتظار جامعه امروز ما از دانشگاه

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌الجی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزئیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند؛ هم خودشان استفاده کنند، هم به بشریت پیشنهاد کنند؛ امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند؛ امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد.^۲

۴. ریاست دانشگاه‌ها باید ریاست علمی باشد، علم با عمل و اعتقاد

من یک وقت در چند سال قبل از این حرفی زدم که بعضی‌ها هم جنجال کردند. گفتم که ریاست دانشگاه‌ها باید ریاست علمی باشد. -الآن هم اعتقاد همین است- یعنی آن کسی که در رأس دانشگاه‌هاست، باید از لحاظ علمی هم طوری باشد که کسانی که آنجا هستند، این فرد را به عنوان رئیس قبول داشته باشند؛ اما علم با عمل، علم با اعتقاد. طوری نباشد که آدم بی‌اعتقادی که

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم جمعیت کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۳/۲۳.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۸/۲۹.

می‌خواهد سر به تن این نظام نباشد، اصلاً اعتقادی به اسلام ندارد، یا اسلام را مسخره می‌کند، یا حزب‌اللهی‌ها را مسخره می‌کند، یا دانشجویی مؤمن را مسخره می‌کند، این شخص در رأس کارها بیاید. نه، دستش را بگیرد، کنار بگذارید. می‌خواهد بیاید سر کلاس‌های ما درس بدهد، حرفی نداریم. هر معلمی بیاید درس بدهد، ما قبول داریم. ما از علم همه کس استفاده می‌کنیم؛ ولو کسی که ما را قبول نداشته باشد. علمش را بگیرد، ما با کمال تواضع می‌نشینیم و از علم او استفاده می‌کنیم، نظام از علم او استفاده می‌کند؛ اما آن جایی که بنایست در اداره امور دانشگاه تعیین‌کننده باشد، ابتدا، اگر کسی به یک دختر چادری یا باحجاب، با نظر تحقیر نگاه می‌کند، تحقیرش کنید؛ ملاحظه نکنید. اگر کسی به جوان حزب‌اللهی که ریش دارد، با نظر تحقیر نگاه می‌کند و دورش می‌کند (حالا اگر این گزارش‌هایی که گاهی از گوشه و کنار به ما رسیده، راست باشد. اگر راست نیست، که هیچ) این را تحقیرش کنید.^۱

۵. باید در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی را

مورد توجه قرار دهیم

اگر دانشگاه جایی شد که کسی که از آنجا صادر و خارج می‌شود نه نسبت به انقلاب حساس باشد، نه نسبت به دین حساس باشد، نه نسبت به کشور حساس باشد، نه نسبت به استقلال ملی و آرزوهای بزرگ ملی حساس باشد، این دانشگاه هرچه هم از لحاظ علمی والا باشد، ارزشی نخواهد داشت؛ زیرا محصول این دانشگاه، راحت در اختیار سیاست‌های مختلف قرار خواهد گرفت.

این مطلب، برنامه ما را در مورد دانشگاه باید مشخص بکند. یعنی ما بایستی در دانشگاه، دین و روحیه انقلابی و بیزاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، ۱۳۶۹/۸/۸.



بشود، یا نشود.

خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان‌سازی‌اش بایستی صحیح حرکت بکند و انسان باب هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد؛ و الا اگر ما بخوایم انسان فقط عالم بسازیم منتهای آرزوهای مقدسی که یک ملت و به خصوص مسلمین دارند بهتر همین است که دانشجویانمان را گروه گروه به کشورهای دیگر بفرستیم تا در آنجا یاد بگیرند و بیایند! هدف این نیست. هدف این است که کشورهایی که دستگاه‌های علمی‌شان مجهزتر و مدرن‌تر از ما است، روانه کنیم؛ آن‌جا بروند یاد بگیرند و بیایند! هدف این نیست. هدف این است که کشور به دست انسان‌های صالح از لحاظ علمی و فکری، در جهت هدف‌های خودش حرکت کند؛ و این نخواهد شد، مگر آن وقتی که این انسان‌ها خودشان، آن هدف‌ها را شناخته و قبول داشته باشند.^۱

۸. ویژگی‌های محیط دانشگاه

محیط دانشگاه به‌طور طبیعی، محیط شادابی، نوگرایی، نوآوری و نوزایی است. محیط دانشگاه، محیط بالیدن شخصیت‌ها، جوشیدن استعدادها و بروز و ظهور نقاط درخشان پنهان در شخصیت انسان است. همچنین دانشگاه محیط صفا و خلوص و حقیقت‌جویی هم هست؛ چون مجموعه، جوان است. در عین حال دانشگاه نمودار و نشان دهنده حساسیت در برابر پدیده‌های نامطلوب نیز هست؛ یعنی چیزی که از نگاه ارزشی و آرمانی جوان نامطلوب باشد، بیش از همه در محیط دانشگاه نسبت به آن حساسیت به‌وجود می‌آید، که این حساسیت گاهی با زودرنجی توأم است. همچنین اگر زمینه فراهم باشد، محیط دانشگاه - علمی‌رغم آنکه عده‌ای گمان می‌کنند یا می‌خواهند و نامود کنند چنین نیست - محیط گرایش‌های دینی و معنوی لطیف هم هست. این خصوصیتی است که به‌طور طبیعی در هر مجموعه دانشگاهی در کشور ما وجود دارد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.



بدهیم؛ به خصوص این نکته وابستگی، یعنی همان چیزی که مناسفانه امروز کشورهای کوچک دنیا - کوچک از لحاظ وضع سیاسی و موقعیت سیاسی - و کشورهای سابق به اصطلاح جهان سوم و عمدتاً کشورهای اسلامی، دچار آن هستند و چشمشان به آن طرف است.^۱

۶. بنای دانشگاه در کشور ما از ابتدا یک بنای غیر دینی بوده است، باید دین را در دانشگاه‌ها زنده کرد

دین را باید در دانشگاه‌ها زنده کرد. دانشگاه ما بی‌دین متولد شده است؛ این که روشن است. دانشگاه به سبک کنونی، از ابتدا بی‌دین متولد شده؛ یعنی طراحی کردند که دانشگاه، بی‌دین زاییده بشود. این معنایش آن نیست که فلاں مؤسس یک دانشگاه، آدم متدینی بوده یا نبوده؛ اصلاً به آن ربطی ندارد؛ بنای دانشگاه، یک بنای غیر دینی، بلکه ضد دینی بوده است؛ مثل روشنفکری کشور ما، که از ابتدا بی‌دین متولد شده است.

خاصیت دین اصیل و عمیق این است که برای نفوذ در دستگاه‌ها و در جاهای مختلف و در محیط‌های انسانی، منتظر اجازه کسی نمی‌ماند. دین، در دانشگاه و در محیط روشنفکری و در علم هم نفوذ کرد و همه جا رفت؛ لیکن بنا، بنای غلطی بود. این بنا بایستی دگرگون بشود و نگذاریم دوباره آنگونه بشود؛ البته دشمن هم بی‌کار نمی‌ماند.^۲

۷. دانشگاه بیگانه و جدای از دین، فاجعه‌ای غیر قابل جبران

اگر دانشگاه، بیگانه و جدای از دین باشد، این یک فاجعه غیر قابل جبران است. غیر قابل جبران، به این معنا است که جبران آن، بسیار بسیار تلفات خواهد داشت و مشکلات فراوانی به بار خواهد آورد؛ تا یک وقت آیا جبران

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.



۹. محیط دانشگاه باید محیط دینی و دانشجو باید متدین باشد درباره مسئله دین در دانشگاه‌ها [باید بگویم]: دین، به همین معنای تدین، مورد نظر است. آن تفسیر غلط روشنفکری از دین و همان تصویری که بعضی‌ها داشتند و کجروی‌ها و کج‌فهمی‌هایی که در مسائل دین بوده، آن را نمی‌گویم. تجربه نشان داد که آن تصورات، یک پول سیاه هم ارزش ندارد. من عزم را در همین چیزها صرف کرده‌ام؛ از دور حرف نمی‌زنم. دین به معنای تدین، یعنی پابندی به احکام اسلامی، قبول، اذعان و تسلیم. روایت هم دارد، قرآن هم همین است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». اسلام یعنی چه؟ «من اسلم وجهه لله» یعنی چه؟ یعنی صورتت را تسلیم خدا کن. این، دین است. مظهرش در مورد احکام شرعی، همین است دیگر. آیا دانشگاه‌های ما این‌گونه‌اند؟

عناش این است که کسانی دانشگاه را بیناکداری کردند که اساس دین را، نه که قبول نداشتند، بالاتر از این بود می‌خواستند اصلاً دین را ریشه کن کنند. می‌بینید دیگر. مگر غیر از این است؟ این، تاریخچه دانشگاه است. این، تاریخچه فرهنگ اروپایی در کشور ما است. کسانی که آن فرهنگ را آوردند، اعتقادشان این بود که اینها حرف‌های مفتی است! روشنفکری جدید، اصلاً این طوری متولد شد؛ ضد دین و مخالف با دین و عازم بر قلع و قمع دین. دانشگاه هم که طبعاً زایشگاه و پرورشگاه همین روشنفکری جدید اروپایی بود. بنابراین، فضا، فضای غیر دینی شد. این فضا، متعلق به دانشگاه وابسته به غرب، پرداخته صنایع غرب و ساخته شده‌های آن دیار بود؛ اما دانشگاه اسلامی چه؟

همة آن مطالبی که راجع به علم و این حرف‌ها گفتیم، آن وقتی معنا پیدا می‌کند که این عالمی که شما درست می‌کنید، متدین باشد؛ و الا اگر عالم بی‌تدین بخوراید، هست. به آمریکا و انگلیس و فرانسه بروید، این قدر علمای بزرگ و دانشمندان عالی‌مقام که حالا حالا‌ها مانده شماها به آن‌ها برسید

هستند؛ اما بی‌دین، ضد دین، ضد آرمان‌ها و اهداف ما. مگر ما می‌خواهیم آن طوری عالم درست کنیم؟ مگر جمهوری اسلامی می‌خواهد عالم بی‌دین درست کند؟

برای ایجاد محیط دینی در دانشگاه، از کلمه تمصب نترسید. هر کسی در دانشگاه - فرقی نمی‌کند که این تشکیلات شما، یک تشکیلات پزشکی باشد یا غیر آن - فکرش این باشد که این حرف‌ها را رها کنید و حالا بگذارید درمشانان را بخوانند، این فکر، غلط و مردود است. باید درمشانان را با تدین بخوانند. چیزی نیست که برایش زمانی بگذاریم و بگویم حالا این مدت را درس بخواند، بعد شروع به تدین کند! تدین که این نیست. تدین، جزو وجود و ذهن انسان است، با انسان رشد می‌کند، شکوفایی پیدا می‌کند و در تمام حرکات انسان اثر می‌گذارد. دین که بیگانه از زندگی نیست. دین، در یک کلمه حرف زدن، در یک اشاره، در یک موضع‌گیری، تأثیر می‌گذارد. انسانی که معتقد به دین است، مگر می‌تواند مدتی بی‌دین زندگی کند؟ محیط دانشگاه، باید محیط دینی باشد. باید این را تأمین کنیم.^۱

۱۰. محیط دانشگاه رابه گونه‌ای آماده کنید که حزب‌اللهی در آن رشد

کند

باید در محیط دانشگاهی خودتان، اسلام رابه حد اعلی پاس بدارید. کاری کنید غریبه‌ها - آنهایی که از انقلاب و اسلام غریبه‌اند - احساس نکنند که کار زیر نگین آن‌هاست؛ حرف من، این است ... محیط را محیطی بکنید که حزب‌اللهی در آن محیط رشد کند. دشمنان ما در تبلیغات دنیایی، سعی می‌کنند حزب‌اللهی را چهره بدی نشان بدهند. حزب‌اللهی را عبارته‌آخرای یک آدم بی همه چیز و یک لات تصور می‌کنند! نخیر، ... حزب‌اللهی، یعنی آن‌که در خدمت خداست و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۶۹/۵/۲۳.





هیچ وابستگی تشکیلاتی سیاسی، جز وابستگی به انقلاب و اساس انقلاب که اراده الهی است - ندارد.

باید کوشش بکنید که جناح حزب‌اللهی کشور، دانشگاه، مدیریت، یعنی آن که خودش را متعلق به این انقلاب می‌داند، برای انقلاب و این ملت دل می‌سوزاند، هیچ وظیفه‌ای هم برای خودش، جز خدمت به این کشور و این انقلاب قائل نیست، احساس کند که در این جا خودی است.^۱

۱۱. اجازه ندهید در محیط دانشگاه‌ها نسبت به حجاب اسلامی بی‌احترامی کنند

در محیط دانشگاه‌ها، خانم‌های دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند. اجازه ندهید به کسانی - اگر خدای نکرده در دانشگاه‌های کشور هستند - که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که این‌ها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام؛ انسانی که الگویش فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است. و این، برای آینده کشور فوق‌العاده مهم است.^۲

۱۲. باید ارزش‌های اسلامی در دانشگاه مورد مسابقه قرار گیرد

ارزش‌های اسلامی در دانشگاه باید مورد مسابقه قرار بگیرد، اسلام در دانشگاه غریب نباشد. عمل و تعهد اسلامی یک چیز انگشت‌نما نباشد، نماز، امانت، صدق‌گفتار، صفا، برادری، عمل‌جهادی، درس خواندن از روی علاقه و صمیمیت، کمک به یکدیگر در فراگیری، تلاش برای تعمق در معلومات و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.
 ۲. سخنرانی در دیدار با گروهی از زنان پرشک سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

دانش‌های مختلف رایج باشد.^۱

۱۳. اعتکاف دانشجویان حقیقتاً مایه افتخار نظام است

حقیقتاً برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مایه افتخار است که در ایام البیض ماه رجب، در مسجد دانشگاه تهران - بزرگ‌ترین دانشگاه ایران - دانشجویان اعتکاف بکنند. این خیلی چیز مهمی است، خیلی پدیده عجیبی است. بنده وقتی شنیدم، واقعاً تکان خوردم. می‌دانید آن مسجد کجاست و آن دانشگاه به دست چه کسانی به وجود آمده است؟! اعتکاف دانشجویان متدین در آن دانشگاه، داخل آن مسجد، تن‌ها را در گور می‌لرزاند، آن کسانی که فکر می‌کردند دانشگاه برای این که همه ملت ایران را در آینده از دین جدا بکند کافی است. حالا در همان مسجد جوان‌های دانشجو می‌نشینند، سه روز روزه می‌گیرند و اعتکاف می‌کنند. این خیلی مهم است. این کارها را هر چه بیشتر ترویج کنید.^۲

۱۴. باید روحیه تعبد در دانشجویان رشد کند

آنچه برای دانشجویان در دانشگاه مهم است، یکی مسئله رشد ایمان مذهبی و اندیشه اسلامی در ذهن‌ها و دل‌های آنان است و یکی رشد روحیه تعبد در آنان، یعنی تسلیم خدا بودن. معنای مسلم این است: «وَتَعْبُدُ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ دِينَهُمْ» یعنی ما تسلیم خداییم. معنای تعبد این است: «إِنِّي نَبْتُ إِلَهِكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۳ یعنی تسلیم فرمان خدا بودن. این معنای تعبد است. باید این روحیه رشد کند. البته می‌دانید تعبد با استدلال عقلی و گرایش به مسائل

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمیع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه‌ها، ۱۳۶۹/۹/۲۸.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از تشکلهای دانشجویی کشور در قم، ۱۳۷۴/۹/۸.
 ۳. سوره احقاف: آیه ۱۵.



۱۶. طرفدار دانشگاهی هستیم که اعتلاطلب، فعال و از لحاظ علمی و

فکری پر نشاط باشد

بنده طرفدار دانشگاهی هستم که اصولی، اعتلاطلب، روبه مردم، فعال و از لحاظ علمی و فکری پر نشاط باشد. هرگز من دانشگاه و دانشگاهی را به محافظه کاری و اکتفا به آنچه که امروز از فکر و فرهنگ و معرفت در دست دارند، توصیه نمی‌کنم؛ نه، دانشگاه باید دائم تریبان تعالی را طی کند و پیش برود. من معتقدم محافظه کاری و اکتفای به آنچه که داریم و نداشتن همت و بلندپروازی در همه زمینه‌های فکر و فرهنگ، قتلگاه انقلاب است. انقلاب اساساً یعنی گام بلند، که پشت سرش باید گام‌های بلند دیگری بر داشته شود. باید مفاهیم را درست فهمید و دانست و با حیطه‌بندی درست مفاهیم باید حرکت کرد.^۱

۱۷. انقلاب، دانشگاه را از دو آفت بزرگ نجات داد

به نظر من بزرگ‌ترین خدمت انقلاب به دانشگاه دو چیز بود: یکی این که احساس هویت مستقل ملی را به دانشگاه داد و دانشگاه را از رو به بیگانه داشتن و مجذوب و مبهوت بیگانه بودن و منفعل در مقابل بیگانه بودن نجات داد؛ قبل از انقلاب این‌گونه بود. دوم این که دانشگاه را با مردم آشتی داد. دانشگاه قبل از انقلاب، یک جزیرهٔ تک‌افتاده در میان اقیانوس خروشان مردم بود. از عناصر استثنایی استاد و دانشجوی مؤمن و متعهد و خوب که بگذریم، در آن موقع محیط غالب دانشگاه این طوری بود که اگر شما به دانشگاه وارد می‌شدید، باید به فرهنگ عمومی، به ایمان عمومی، به باورهای عمومی و به دلبستگی‌های مردمی پشت می‌کردید. محیط دانشگاه برای اکثریت بزرگی از استاد و دانشجوی، محیط دغدغه‌های صرفاً شخصی بود. غیر از عده‌ای که سیاسی و مبارز بودند،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر،

۱۳۷۹/۱۲/۹

عقلانی، با اعتقاد به علم و فعالیت علمی و دانشگاهی و دانشجویی هیچ منافاتی ندارد. همه آن‌ها باید باشد، تعبد هم باید باشد

اگر بنخواهیم وسوسه‌های شیطان و هوای نفس و ضعف‌های گوناگون که در درون و خفایات و در تربیت‌های ما است، لجن‌هایی که با جوهر انسانی ما جابه جا آمیخته است؛ جوارح ما را از حرکت باز ندارند، باید این روحیهٔ تعبد در ما باشد. حکم و دستور الهی و وظیفهٔ شرعی است، باید انجام بدهیم. نباید ملاحظیات، رودریاستی‌ها، تهدیدها، خطرها و تطمیع‌ها جلوی ما را بگیرد. پس باید تعبد در دانشجو رشد پیدا کند. چرا؟ چون این جوان، فردا چرخ‌خی از چرخ‌های این مملکت را به دست خواهد گرفت. از حالا باید سرمایه را پیدا کند. وقتی به سنین بنده و امثال بنده رسید، مثل یک درخت خشک و بی‌انعطاف است که دیگر کاری نمی‌شود کرد. انسان در سنین شما این استطاعت را دارد که کجی‌های خود را اصلاح و اشکالات خود را درست کند.^۱

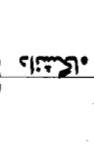
۱۵. دانشگاه‌ها باید به صورت عملی، به علم اهمیت بدهند

دانشگاه‌ها باید به علم اهمیت بدهند. اهمیت دادن، فقط یک امر قلبی نیست؛ عمل لازم دارد. این عمل، مقدمات و برنامه‌ریزی و اهتمام شدید لازم دارد. مایه گذاشتن از وقت و امکانات دانشگاه برای هر کار غیر علمی، به‌طور طبیعی از این اهتمام علمی خواهد کاست. حالا یک‌وقت آن کار، لازم و در حد ضرورت است، مانعی ندارد؛ اما افراط در آن کارها، به گرایش علمی و حرکت علمی و سازندگی و به دنبالش بالندگی علمی که ما به آن نیاز داریم، لطمه خواهد زد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از تشکل‌های دانشجویی کشور در قم،

۱۳۷۴/۹/۱۸

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.





دغدغه سایر افراد، دغدغه‌های شخصی بود؛ دغدغه‌های اجتماعی نداشتند و دردهای جامعه خودشان را حس نمی‌کردند.

مهم‌ترین آرزو برای یک دانشجوی در آن موقع این بود که بتواند وسیله‌ای به دست بیاورد و خودش را به خارج از مرزها برساند. دانشگاه مجذوب غرب بود و نمی‌خواست نوآوری بکند؛ نه این که استاد و دانشجو میل به این معنا نداشتند؛ فرهنگ غالب بر دانشگاه، این فرهنگ نبود؛ فرهنگ وابستگی بود که رژیم شاه هم آن را به شدت ترویج می‌کرد. آن کسانی که در داخل دانشگاه داعیه روشنفکری داشتند، آن‌ها هم روشنفکران مردمی نبودند؛ روشنفکرهای کافه‌ای و بریده از مردم بودند؛ خیلی از آن‌ها بعد از انقلاب رفتند و الان در کشورهای اروپایی باز هم کافه‌ای‌اند و بیش‌ترین محیطشان، محیط کافه‌ها است! دانشگاه چنین وضعی داشت. انقلاب دانشگاه را از این دو آفت بزرگ نجات داد؛ دانشگاه را خوداندیش، مستقل، دارای اعتماد به نفس، دارای قدرت تولید - تولید فکر و تولید علم - مرتبط با قشرهای مختلف مردم، مرتبط با فرهنگ مردمی و متصل به دلبستگی‌ها و عشق‌ها و جاذبه‌های موجود میان مردم قرار داد؛ این اهمیت خیلی زیادی دارد.

من به شما بگویم، این دو نکته، نکات مهمی هستند که اگر از طرف بیگانگان و دشمنان خطری دانشگاه را تهدید بکند، بمباران همین دو مرکز اساسی و مهم است؛ اعتماد به نفس را از دانشگاهی بگیرند، بخواهند فکرها و تئوری‌های ترجمه‌ای را وارد محیط دانشگاه کنند و به مغز دانشجو استاد رسوخ دهند و آن‌ها را از ایمان و دلبستگی‌های مردم جدا کنند؛ این، آن خطر اساسی است. علاج هم عبارت است از حفظ اتصال فکری با توده‌های مردم و به شدت چسبیدن و متمسک شدن به ریشه‌های اصولی انقلاب.^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۱۸. دانشگاهی که در آن نبض انقلاب نزند، تضمین‌کننده آینده کشور نیست

بارها در مجامع دانشجویی گفتم که در این نظام مردمی، دانشجویان که طبقه پیشرو و پیشاهنگ و زبده و بانشاط پیکره اجتماع هستند، باید در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه، بیش از جاهای دیگر نقش و اثر داشته باشند. این تأثیر، با دو عاملی که باید در کنار هم باشند، تحقق پیدا می‌کند:

عامل اول، درس و علم و تحصیل است، جوان‌ها باید خوب درس بخوانند و اساتید هم باید آن‌ها را تربیت کنند و آینده علمی و عملی کشور را تأمین و تضمین کنند.

عامل دوم، جهت‌فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد. در بیانات حضرت امام علیه السلام و وصیت‌نامه ایشان، به این نکته اساسی بسیار توجه شده است. دانشگاه لایالی و بیگانه از ارزش‌های دینی و بی تفاوت و خون‌سرد نسبت به مفاهیم و جهت‌گیری‌های انقلابی، دانشگاهی که در او نبض انقلاب نزند، دانشگاهی که اعضایش چه دانشجو و چه استاد نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیشاهنگی و پیشقراولی، احساس تکلیف نکند و نقش درجه یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده آینده و مورد نظر امام علیه السلام باشد. دانشگاه جهت‌دار، به شدت متمایل به ارزش‌های اسلامی است.^۱

۱۹. باید محصول دانشگاه‌های ما دانشجوی انقلابی مثبت، فعال و متعهد باشد

ما از اول انقلاب دوگونه انقلابی داشتیم و انقلابیون ما دو گونه نقش ایفا

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم جمعیت از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۳/۲۳.





کردند؛ بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آن‌جایی که در دوسری داشت، عقب می‌کشید؛ انقلابی بود، اما انقلابی و جاهت‌طلب و راحت‌خواه؛ انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارز هم را قبل از انقلاب کرده‌ام، حالا دیگر می‌خواهم احترام بشوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و در دسر و آن‌جایی که چهار نفر آدم از انسان‌گله‌مند می‌شوند، وارد نمی‌شدند.

یک عده هم انقلابی مثبت بودند؛ حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند؛ آن‌جایی که فکر می‌کردند وجود آن‌ها می‌تواند کمکی بکند، با همه وجود حاضر بودند؛ اگر جبهه بود، یک‌طوراً؛ اگر دانشگاه بود، یک‌طوراً؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می‌شدند. انقلابی منفی، خودش راز کار کنار می‌گیرد؛ اما اگر یک وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم‌هایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی‌یافتی و شکل آپزسیون به خودش می‌گیرد؛ کانه در هیچ کاری مسئولیت ندارد؛ انقلابی مثبت حتی اگر هیچ‌کاره هم باشد، خودش را مسئول‌ترین افراد می‌داند و وارد میدان می‌شود.

من می‌خواهم به شما عرض کنم، عزیزان من! جوان‌ها! انقلابی مثبت باشید. دانشگاه باید انقلابیون مثبت پرورش بدهد؛ این ملت و این تاریخ به شما نیاز دارد؛ باید خودتان را آماده کنید. اگر شما در میدان باشید، این کشور آینده بسیار درخشانی در انتظارش هست. ما استعداد داریم، ما تاریخ داریم، ما در قرن چهارم هجری یعنی قرن دهم میلادی دوران شکوفایی داشتیم. می‌دانید که قرن دهم میلادی، تقریباً قرن آغاز قرون وسطای معروف اروپا است که شش، هفت قرن هم طول کشیده است. البته قرون وسطی از قرن دهم هم شروع نشده است قبل از آن شروع شده بود اما قرن اوج تاریکی اروپاست.

می‌دانید قرن دهم میلادی و قرن چهارم هجری در ایران شما و در محیط اسلامی چه خبر بود؟ قرن چهارم هجری، قرن شکوفایی علم و فلسفه در کشور

شما و در دنیای اسلام است؛ قرن ابن‌سینا؛ قرن فارابی؛ قرن رازی؛ قرن حکمای بزرگ الهی؛ قرن شخصیت‌هایی که بعضی از آثار علمی آن‌ها دنیا را تا همین روزهایی که من و شما داریم زندگی می‌کنیم، هنوز در تسخیر خود دارد. امروز ایران بلاشک از دورانی که ابن‌سینا و فارابی و خوارزمی و رازی و شیخ طوسی و سایر دانشمندان را پروراند، برای پرورش چنین شخصیت‌های بزرگی به مراتب آماده‌تر است. چرا نمی‌خواهند بگذارند؟ اگر آن‌ها نمی‌خواهند بگذارند، چرا من و شما تسلیم بشویم؟ چرا من و شما طبق میل آن‌ها عمل کنیم؟ چرا باید جوان یا سیاستمدار یا فرهنگی ایرانی درست همان کاری را بکنند که طراحان سیاسی آمریکا و صهیونیست‌ها و دیگران برای تسلط مجدد خودشان بر ایران به آن احتیاج دارند؟! این ننگ است! هیچ کس هم نفهمد، در دل خودمان ننگ است. باید محصول دانشگاه‌های ما، انقلابی مثبت، انقلابی فعال، انقلابی مسئول، انقلابی متعهد و امیدوار باشد؛ که من امیدوارم چنین هم باشد.^۱

۲۰. ضدیت با نظام، شایسته دانشگاه نیست

جهت‌گیری آنازیستی، صددرصد مخالف با آن چیزی است که شایسته دانشگاه است. ضدیت با نظم و با هر چه می‌خواهد باشد که بعضی این‌گونه‌اند شایسته دانشگاه نیست. البته وظیفه عمده همه -دانشجو و غیردانشجو ندارد- در درجه اول، دفاع از نظام اسلامی است. این را هم به شما بگویم که به خاطر این که خودم عضو نظام و مسئولی در نظام هستم، این را نمی‌گویم؛ نه، بنده همان طلبام، این را گفته باشم.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۲/۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷.





و ایمان دینی مطرح است. اگر شما جوانان عزیز با مسائل جهان آشنا باشید، این راه روشنی در می یابید. اینکه من اصرار دارم محیط دانشگاه، محیط آگاهی و هوشیاری و کار و ذهنیت سیاسی باشد، برای این است که دانشجو باید از جریان‌های موجود جهانی مطلع باشد و شما به خاطر خصوصیت جوانی، راحت‌تر می‌توانید عمق آن جریان‌ها را حس کنید.^۱

۲۲. محیط دانشگاه باید سیاسی باشد، یعنی چه؟

باید محیط دانشگاه، محیط سیاسی باشد. محیط سیاسی یعنی چه؟ یعنی درس نخوانند و شعار سیاسی بدهند؟! «یعنی زنده‌یاد»، «مرده‌یاد» کنند؟! بگویند فلان رئیس دانشگاه، فلان کس یا فلان چیز را نمی‌خواهیم و فلان چیز را می‌خواهیم؟! آیا معنایش این است؟! نخیر! سیاسی بودن یعنی دانشجو از آنچه که در جهان و در کشور خودش می‌گذرد، آگاه باشد، پیش داشته باشد. اگر این نشد ممکن است فردی به حدّ اعلامی علم هم برسد، خیلی هم متدین باشد، اما دشمن او را به قیمت بسیار ارزانی بخرد او را زیر بال خودش بگیرد.

در دوران رژیم طاغوت، اساتیدی داشتیم متخصص، متدین و خوب. اما چون فهم سیاسی نداشتند، به راحتی در اختیار هدف‌های آن رژیم قرار می‌گرفتند، بدون آنکه خودشان بدانند. دانشجو‌ها را هم به سمتی می‌کشاندند که آن رژیم می‌خواست. کسانی داشتیم که عالم و متدین بودند؛ ولی نداشتن فهم و آگاهی و شعور سیاسی، موجب شد که جزو یکی از مهره‌های همان رژیم فاسد و ضدّ دین بشوند. پس، دانشجو بایستی آگاهی و فهم و درک سیاسی داشته باشد، مباحث سیاسی را بداند؛ آنچه در جهان می‌گذرد، بداند.

امروز جمهوری اسلامی، از یک دولت مردمی صددرصد وابسته به مردم خودش برخوردار است. خوب، این دولت چه کاری می‌کند؟ در مسائل سیاسی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از تشکلهای دانشجویی کشور در قم، ۱۳۷۴/۹/۱۸.



۲۱. اینکه من اصرار دارم محیط دانشگاه محیط هوشیاری و محیط سیاسی باشد برای این است که:

دانشگاه برای هر کشور در واقع همه چیز است. دانشجو تضمین کننده فرمای جامعه است. در واقع از روی دانشجویی امروز می‌شود فردای هر جامعه را شناخت یا حدس زد. آن کسانی که بانیّت ریشه کن کردن ایمان دینی در کشور ایران، به دانشگاه پرداختند و محیط دانشجویی را به تفکرات، اوهام یا سرگرمی‌های ضدّ دینی آلوده کردند، خیلی خوب فهمیدند که چه می‌کنند و حقاً برای هدف پلید خود، بر روی نقطه اصلی تکیه کردند.

شما ملاحظه می‌کنید که وقتی در ایران دانشگاه تشکیل شد و اقبال به دانش‌های نو در کشور ما به وجود آمد - که البته این کار خیلی لازم بود و خیلی دیر انجام شد، باید این کار صد سال قبل از آن انجام می‌گرفت - از همان اول در گرایش‌ها و در تنظیم برنامه‌ها، دین زدایی مورد توجه قرار گرفت.

واقعاً انسان به بعضی از چیزها عادت کرده و اهمیت آنرا نمی‌فهمد. ما در دوران طاغوت عادت کرده بودیم این جور بفهمیم که هر جوانی به دانشگاه رفت، بی دین بیرون خواهد آمد حتی هنوز هم این فکر، به غلط در بسیاری از ذهن‌ها هست، اما آن روز درست بود یعنی معلوم بود که محیط دانشگاه محیطی است که دین و دین داری را بر نمی‌تابد. همه چیز را این جور فراهم کرده بودند. آن‌ها اینطور فکر کرده بودند و آن چنان برنامه‌ریزی کردند، موفق هم شدند. تقریباً حدود پنجاه سال یا کمی بیشتر در این کشور کسانی که اندکی به دانش و تجربه و فرهنگ غربی که برای ما ایرانی‌ها نو بود نزدیک می‌شدند، به همان اندازه از سنت‌های خود و از ایمان اصیل اسلامی دور می‌شدند. البته بدیهی است که محیط جامعه ما یک محیط اسلامی بود، بالاخره یک تأثیری روی تحصیل کرده‌های ما می‌گذاشت. ضمناً عوامل مخالف و مضاد با آن فکر نیز در جامعه بود که آن‌ها فکر آن را نکرده بودند.

آن روز گذشت «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ». امروز در سطح جهان دوباره مسئله دین



استبداد و دیکتاتوری و این چیزها بخواهد عمل کند، آن بحث جداگانه‌ای است.

وقتی که حکومت، حکومتی است که مورد قبول و مورد علاقه مردم است، مردم حاضرند برای آن جانفشانی کنند، نسبت به آن عشق بورزند، با آن همکاری بکنند، آنچه را که باید انتخاب مستقیم بکنند، انتخاب بکنند، باید نسبت به مسئولین حکومت و نسبت به نظام و دولت، یک حالت گرایش و جانبداری وجود داشته باشد، کما این که در همه جای دنیا این طور است؛ حتی در کشورهای پیشرفته دنیا! البته نمی‌خواهم بگویم در همه جا.

در هر حال، آن کسانی که در رأس نظام و مسئولان و خدمتکاران نظام هستند، و به اصطلاح بارکشان گردن‌کلفتی که دارند این گردونه را این طرف و آن طرف می‌کشند که در داخل این گردونه، هر کسی دارد کار خودش را انجام می‌دهد باید مورد شکرگزاری و تقدیر باشند. معارضه کردن با این‌ها و قرار دادن دانشجویها در مقابل این‌ها یک خطا و یک انحراف است! نتیجه این می‌شود که آن آرمان‌گرایی در کنار این جانبداری، حالت انتقاد غیر خصمانه می‌شود.

نیاید جلوی انتقاد را گرفت؛ می‌خواهند انتقاد بکنند، بکنند؛ اما نباید خصمانه باشد. - تا آن‌جایی که به قضایای داخل کشور ارتباط پیدا می‌کند - حرکت سیاسی دانشجویی، یعنی این که نسبت به دولت و مسئولان، حالت جانبداری و تعصب باشد، و احياناً در مقابل مخالف، متعصبانه طرفداری کند؛ اما همراه با انتقاد. اگر قرار باشد که انتقاد نباشد، پس آرمان‌گرایی هم نیست. نباید هر کاری که دولت کرده، بگویند نه، این درست نیست! اما این طور هم نباشد که هر کاری می‌کنند، بگویند بله!^۱

۲۴. دانشگاه نباید میدان تاخت و تاز سیاست‌یازان حرفه‌ای شود

باید مراقبت کرد که محیط دانشجویی، میدانی برای تاخت‌وتاز سیاست‌یازان

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۱۲/۶.



دنيا، کجای کار است؟ هدف‌هایش چیست، اقداماتش کدام است؟ چرا در فلان جهت حرکت می‌کند؟ چرا در فلان جهت دیگر، حرکت نمی‌کند؟ باید این‌ها را بدانید.^۱

۲۳. اهمیت تحرک سیاسی در دانشگاه و خصوصیات آن

تحرک سیاسی در دانشگاه، واجب و لازم است. اصلاً نباید از آن اجتناب کرد و نایبستی از آن ترسید، و نایبستی اجازه داد که خاموش بشود.

منتها معنای تحرک سیاسی، آن چیزی که بعضی می‌فهمند و کج و بد می‌فهمند، نیست! بعضی می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که تحرک سیاسی دانشجویها، یعنی یک حالت معارضه گرفتن در درون دانشگاه! یعنی در سنگر دانشگاه، معارضه‌های نسبت به دولت و نظام به وجود بیاید؛ نه، این خطا و کج‌اندیشی و زشت‌اندیشی است! اگر کسی بخواهد این‌گونه تحرک پیدا کند، البته این خیلی بد است. دو سه خصوصیت در این حرکت سیاسی هست:

یکی این که طبیعت دانشجوی، آرمان‌گرایی است؛ باید هم آرمان‌گرا باشد. اگر آرمان‌گرا نباشد، این حرکت متوقف خواهد شد. در زمینه علم هم باید آرمان‌گرا باشد. در زمینه جامعه و مسائل جاری خودش هم باید آرمان‌گرا باشد. اصلاً آرمان‌گرایی جوان، مایه پیشرفت است. اگر آرمان‌گرایی را در جوانان خفه کردند و کوبیدند و از بین بردند یا زشت شمرند اشکال بزرگی متوجه خواهد شد. این نباید باشد.

مطلب دوم این است که باید آن حالت طرفداری و جانبداری از حکومت و دولت، به عنوان یک عرف رایج، در دانشگاه و غیر دانشگاه وجود داشته باشد. البته تا مادامی که حکومت، حکومتی است که مورد قبول مردم است؛ حالا یک وقتی خدای نکرده، حکومتی بر سر کار بیاید که به جبر و به زور و با اعمال

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشگاهیان و فرهنگیان استان کهگیلویه و بویر احمد، ۱۳۷۳/۳/۸.





۲۶. دانشگاه مرکز علم و آگاهی است نه محل دخالت‌ها و نقش آفرینی

متحجران سیاسی

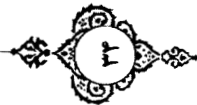
دانشگاه مرکز علم و آگاهی است. هر چیزی که مزاحم علم و آگاهی باشد، جایش در دانشگاه نیست. دانشگاه ضربه اساسی راز همین دخالت‌ها و نقش آفرینی متحجران سیاسی در محیط‌های دانشجویی می‌خورد. دانشگاه باید محیط کار علمی و تحقیقی باشد. دانشگاه باید جایی باشد که در آن امکان فریب، تقلب و مغلوبه‌بازی یا وجود نداشته باشد یا کم وجود داشته باشد. باید آن کسانی که غوغا زیستند و اصلاً در فضای غوغا می‌توانند زندگی کنند و بدون فضای غوغا زندگی برایشان مشکل است، نتوانند در دانشگاه نقش ایفا کنند؛ این انتظار از دانشگاه و جوان‌های دانشجوی و اساتید و مدیران دانشگاه هست که آن را عملی کنند. راهش هم این است که کار را با تکیه به همان پایه آگاهی انجام بدهیم.^۱

۲۷. معنای اسلامی کردن دانشگاه‌ها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی

اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک معنای عمیق و وسیع و جامعی دارد؛ و به اعتقاد من، از نان شب برای دانشگاه‌ها واجب‌تر است! اگر بخواهید دانشگاه، علمی هم بشود، باید اسلامی بشود؛ از شناخته‌های اسلامی شدن، علمی شدن و عمیق شدن است، خودباور بودن استاد و دانشجو است، اتکا به نفس داشتن استاد و دانشجو است. همه مسئله این نیست که حالا یکی با آستین کوتاه بیاید، یکی با چهار تار موی پیدا بیاید! مسائل اسلامی کردن که این نیست! البته یکی از خصوصیات دانشگاه اسلامی این است که تدبیر در آن، وجه غالب است؛ چون جامعه ما جامعه اسلامی است و تدبیر در آن، وجه غالب است.

آیا معنای اسلامی بودن این است که اصلاً آدم بی‌دین و آدم غیر دینی در

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷.



حرفه‌ای نشود. این که آقایی از آن طرف بلند شود، برای خاطر یک غرض سیاسی و یک هدف ناسالم، به دانشگاه برود و وضعیت آن‌جا را به هم بریزد و ذهن عده‌ای از دانشجویان را مشوش کند، اصلاً قابل قبول نیست. البته خورد دانشجویان بایستی این‌طور افراد را شناسایی کنند؛ آن‌ها را طرد کنند و از محیط خودشان بیرون نمایند. محیط دانشجویی، بایستی دانشجویی و پاک بماند. آگاهی سیاسی داشتن و بینش سیاسی پیدا کردن، یک مسئله است؛ اما در معرض سیاست‌سازی سیاست‌زنان قرار گرفتن، مسئله دیگری است.^۱

۲۵. دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشد، تا فریب نخورد

دانشجو‌ها بایستی سیاسی بشوند؛ یعنی فهم سیاسی پیدا کنند. فهم سیاسی، غیر از سیاسی کاری و سیاست‌بازی است، غیر از دستخوش جریان‌های سیاسی شدن است. اتفاقاً فهم سیاسی موجب می‌شود که آدم، دستخوش جریان‌های سیاسی نشود. من این را می‌خواهم. من می‌خواهم که وقتی دانشجوی نگاه می‌کند به آن کسی که آمده است و دارد برایش حرف می‌زند و شعار می‌دهد و قریان صدقه می‌رود، بفهمد که او کیست و چه کاره است؛ از حرف‌های او حقیقت او را درک کند و از کار او ممشا و هدف او را به دست بیاورد. من این را می‌خواهم؛ دنبال این هستم. اگر سیاسی نباشید، نمی‌توانید؛ باید سیاسی باشید. من باز هم همیشه روی این حرفم تکیه می‌کنم که دانشگاه، باید سیاسی باشد، تا دانشجو فریب نخورد و وسیله‌ای برای کسانی نشود که می‌خواهند سر به تن نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و هیچ‌کس دیگر نباشد! فقط دنبال قدرتند، هر طور می‌خواهد بشود! به قول معروف برای یک دستمال، حاضرند قیصر به را آتش بزنند!^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و مسئولین دانشگاه تبریز، ۱۳۷۸/۶/۲۷.

جامعه نیست؟ آدم متظاهر به دین نیست؟ چرا هست؛ آیا کسی آن‌ها را مجازات می‌کند؟ آیا کسی حتی افراد غیر متدین و غیر مسلمان را معاقب به عفویتی می‌کند؟ تعقیب می‌کند؟ پس این‌طور نیست؛ باید دین، وجه غالب باشد. معنای اسلامی بودن دانشگاه هم همین است؛ متدین بودن دانشگاه، یعنی این؛ و تازه متدین بودن، یکی از ابعاد اسلامی بودن دانشگاه است، نه همه آن. اسلامی بودن دانشگاه، یعنی دانشگاهی که بتواند علم را در خود بجزو شانند؛ همچنان که اسلام، یک روز در بین مردم این حالت را به وجود آورد، در حالی که با علم، هیچ رابطه‌ای نداشتند!

اسلام برای علم، عزت و شرف اصیل قائل است، نه شرف ابزاری؛ و علم را نور می‌داند. خوب، اگر اسلامی شد، این تفکر در دانشگاه خواهد آمد. در زمینه علوم اسلامی به یک صورت، و در زمینه علوم دیگر، به صورت دیگر. ما حتی در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی، گاهی می‌بینیم چیزهایی هست که درست بر ضد آن چیزی است که باید باشد! یعنی در آن، وارفتگی در مقابل بیگانه می‌عززی در مقابل تهاجم و تسلیم در مقابل دشمن، تعلیم داده می‌شود! خوب، این درست نیست، این درست ضد اسلامی بودن است!

اسلامی بودن، یعنی ایستادگی بر روی اصول و پایه‌های مستحکم که زیر پای اندیشه و فکر انسان وجود دارد؛ و بر اساس آن، بنا کردن، پیش رفتن، جویشدن و زاییدن. این، اسلامی کردن است. دانشگاه اسلامی، دانشگاهی شکو و پرنشاط است؛ دانشگاهی است که در آن، علم عزیز است! عالم عزیز است! استاد کرامت دارد و دانشجویی عبادت است! شما کجا چنین چیزی را پیدا می‌کنید که دانشجوی قصد قربت کند و درس بخواند. خوب، این‌ها چیزهای خیلی مهم است. این، دانشگاه اسلامی است.

البته عرض کردیم که یک بُعد آن هم تدین است؛ یعنی مظاهر فساد و مظاهر فسق در آن‌جا وجود نداشته باشد. همان چیزهایی که جزو بی‌تبات و واضحان است - مسئله دختر و پسر، مسئله بعضی از منکرات و بعضی از محرّمات، با

باشد؛ مثل داخل جامعه و خانه من و شما که نباید باشد، در داخل دانشگاه هم نباید باشد.^۱

۲۸. منظور من از اهتمام به اسلامی شدن دانشگاه این است که:

این که من چند سال پیش بحث اسلامی شدن دانشگاه‌ها را مطرح کردم - در واقع فریادش رازم - این معنایش این نبود که دانشگاه‌های ما رؤسای ناب، یا آدم‌های ناجوری دارد، یا دانشجوی‌های ما بی‌دینند؛ نخیر. همین دانشجوی‌ها با بنده هم ارتباط دارند، من با دانشجوی‌های مختلف مرتبم؛ می‌دانم که در بین آن‌ها افراد متدین خیلی زیاد است.

اکثریت قاطع با کسانی است که متدین وارد دانشگاه می‌شوند؛ متنها محیط و فضای دانشگاه، با وجود شما که رئیس و متدین هستید، با وجود مأمورین و کارگرانی که همه آن‌ها هم متدینند، با این وزیری که سرتاپایش برای دین است و تلاش می‌کند، محیطی آسیب‌پذیر است که می‌تواند کاملاً پروازنده، یک عنصر غیر دینی - بلکه ضددینی - بشود. این را بیابید؛ خیلی مهم است.

من منظورم از آن حرفی که آن وقت‌ها بارها تکرار کردم، این نبود که ببینید زلف چه کسی از دخترها بیرون است، با عطف با او برخورد کنید و با فلان جوان که مثلاً بازوهایش بیرون است، آن جور نکنند! این نبود، این‌ها چیزهای کوچکی است، این‌ها ظاهر و مظاهر هستند، اهمیتی هم ندارند بحث بر سر اعتقادات و باورهای دینی و آن ایمان درخشان و ارزشمند و بسیار کارآمد دینی است که وقتی با روح جوانی و با همت و نیروی جوانی همراه می‌شود، می‌تواند کوه‌های گران را از جا بکند. بحث سر آن است؛ آن را مراقب باشید که مورد تهاجم است.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۶/۱۲/۶.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۷۷/۹/۸.



ارتباطها، برنامه‌ریزی و سازماندهی بشود. این، یکی از بهترین و طبیعی‌ترین وحدت‌هاست.

می‌دانید که در دوران اختناق و در آن هنگامی که دستگاه جبار برای جدا کردن روحانیون از تحصیلکرده‌ها، از تمام وسائل استفاده می‌کرد، یک عده روحانی آگاه و عالم و عاقل و مصلحت بین و مصلحت شناس داشتیم که ارتباطشان را با دانشگاه‌ها مستحکم کردند. بهترین جلسات سخنرانی‌های علمایی مثل مرحوم آیة‌الله مطهری و امثال ایشان، در دانشگاه‌ها بود و مرحوم دکتر مفتاح رضوان‌الله علیه یکی از پرکارترین و فعال‌ترین این‌گونه روحانیون بود.

طلاب و دانشجویان قدر یکدیگر را بدانند، با یکدیگر آشنا و مرتبط باشند، احساس یگانگی نکنند، احساس خویشاوندی و برادری را حفظ کنند و روحانیون در دانشگاه‌ها عملاً - قبل از قولاً - کوشش کنند که نمونه‌های کامل عالم دین و طلبه علوم دینی را به طلاب و دانشجویان و دانشگاهیان ارائه بدهند و نشان دهند که هر دو نسبت به یکدیگر، با حساسیت مثبت و با علاقه همکاری می‌کنند. این، همکاری و وحدت حوزه و دانشگاه است. البته برای این کار، باید برنامه‌ریزی و سازماندهی بشود.^۱

۳۱. باید همکاری و وحدت حوزه و دانشگاه را قدر بدانیم و آن را روز به روز تقویت کنیم

مباد آن روزی و آن زمانی که حوزه و دانشگاه، آهنگ جدایی و دوری از یکدیگر داشته باشند؛ هم برای حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، هم برای کشور، آینده و تاریخ، چیز بسیار خطرناکی است. یکی از عزیزترین دستاوردهای این انقلاب این بود که دو بخش عظیم فرهنگی که سال‌ها تلاش شده بود از هم دور باشند

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، ۱۳۶۸/۹/۲۹.

۲۹. معنای وحدت حوزه و دانشگاه

وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل، جامعه امام، جامعه پشاهنگ، جامعه الگو، ملت شاهد - ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند، تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عملشان پیاده کنند - حرکت نمایند. در راه ایجاد چنین کشور و جامعه و ملتی، علایجی جز این نیست که دانشجوی و طلبه، حوزه و دانشگاه، روحانی و روشنفکر تحصیلکرده، در کنار هم، دوش به دوش هم و با هم، به سمت یک هدف حرکت کنند؛ بدون این نمی‌شود. او متدین است، و این آگاه به مسائل جهان و مسائل روز.^۱

۳۰. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی حرکت پایه پای علم و دین در نظام اسلامی، علم و دین پایه‌ها باید حرکت کنند. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه، معنایش این نیست که حتماً بایستی تخصص‌های حوزه‌ای در دانشگاه و تخصص‌های دانشگاهی در حوزه دنبال بشود. نه، لزومی ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوشبین باشند و به هم کمک بکنند و با یکدیگر همکاری نمایند، دو شعبه از یک مؤسسه علم

و دین هستند. مؤسسه علم و دین، یک مؤسسه است و علم و دین باهمند. این مؤسسه، دو شعبه دارد: یک شعبه، حوزه‌های علمیه و شعبه دیگر، دانشگاه هستند؛ اما باید با هم مرتبط و خوشبین باشند، با هم کار کنند، از هم جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند. علمی را که امروز حوزه‌های علمیه می‌خواهند فر بگیرند، دانشگاهی‌ها به آن‌ها تعلیم بدهند. دین و معرفت دینی را هم که دانشگاهی‌ها احتیاج دارند، علمای حوزه به آن‌ها تعلیم بدهند. سر حضور نمایندگان روحانی در دانشگاه‌ها، همین است. چه قدر خوب است که این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمع کثیری از طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه‌ها، ۱۳۶۹/۹/۲۸.





به یک معنا یکی مظهر دینداری، یکی هم مظهر تجدد باشد - و تجدد و دینداری، دو چیز مقابل هم محسوب بشوند، این طلسم را شکست و بهترین نوع تجدد در جامعه را - که تجدد، طبعاً از سنن الهی است که خدای متعال روز به روز حرکت افکار و دل‌ها و ذهن‌ها به سمت دستاوردهای جدید برای بشر را با سعی و کوشش خودشان تقضیل می‌کند - ملت ایران و جامعه روشنفکر و فرهنگیان ایران توانستند به دست بیاورند؛ که همین انقلاب و مظاهر و تجلیات عینی و خارجی - تشکیلاتی آن بود.

مبادا که این دستاورد، کم بها، بی‌روتق و کم فروغ بشود. باید همکاری حوزه و دانشگاه را قدر بدانیم و ارج بگذاریم و آن را روز به روز تقویت کنیم. این آرزو و تقاضای من از همه کسانی است که در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها صاحب نفوذ و صاحب تأثیر و صاحب یک فکر و نظر هستند و حضوری دارند.^۱

۳۲. اهمیت وجود دفاتر رهبری در دانشگاه‌ها

من این نهاد، راه نهاد واجب و لازمی می‌دانم؛ بر حضور این نهاد اصرار می‌ورزم؛ به تصویب مقرراتی که دست این نهاد را به قدر اختیاراتی که لازم دارد - زیاد خواهی هم نمی‌کنیم - باز بگذار، تأکید می‌کنم و این به عهد شورای عالی انقلاب فرهنگی و بقیه دستگاه‌های ذیربط است. هر چه تا حالا کرده‌اند که چه بهتر؛ آنچه نشده است، باید انجام بگیرد. نباید به روحانیون و علمایی که از روی اخلاص و دین و برای انجام وظیفه به دانشگاه‌ها رفته‌اند به چشم یک رقیب، مزاحم، یک چیز زائد، تشریفاتی یا مداخله‌گر در دانشگاه‌ها نگریست! این یک نگرش خطا و غلطی خواهد بود و هر چه که می‌گذرد ان‌شاءالله آثار کار شما بیشتر ظاهر خواهد شد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان دفاتر نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۵/۶/۱۹.

۳۳. هدف از حضور روحانیون در دانشگاه‌ها، تحقق رسالت پیامبران

در سطحی نازل‌تر است

حضور در دانشگاه‌ها خیلی مهم است؛ چون ما روحانیون در پی این هستیم که مخاطبی پیدا کنیم و آنچه را که از رسالت الهی بر دوش ما است، به آن مخاطب برسانیم. اگر این نباشد که روحانیت معنایی ندارد؛ بالاخره این فکر «العلماء ورثة الانبیاء»، یک فکر رایج و قطعی در همه مفاهیم دینی است. تحریض به علم، بخش عمده‌اش برای این است که انسان، آن علم را به مخاطبینی برساند که به آن احتیاج دارند. بدیهی است که در معارف اسلامی، آن‌جایی که روی علم تکیه شده است، مراد، علم توحید و معرفت دینی است که تبلیغ آن و عمل به آن، این همه اهمیت، و کسب آن، این همه شرافت دارد.

پس اصل قضیه این است که این رسالت و این پیامبری را در این سطح نازلی که ما بر عهده داریم تحقق ببخشیم؛ به این که به مخاطبین خودمان برسانیم. خوب، امت‌ها مختلفند، مخاطبین و شنوندگان پیام و رسالت پیغمبران مختلف‌اند؛ بهترینشان کسانی هستند که جوان باشند که این تبلیغ شما برای مدت سی سال، چهل سال، پنجاه سال در زندگی او اثر بکند؛ این طوری است دیگر بالاخره امر دائر است بین این که به کسی یاد بدهیم که پنجاه سال می‌خواهد از آن استفاده کند، یا کسی که مدت کوتاهی می‌خواهد استفاده کند. پس جوان بودن، یک امتیاز است برای طول مدت استفاده.

دوم این که همین جوان بودن، امتیاز است برای خوب فراگیری و شکل‌گیری ذهن، به آنچه که ما به او می‌دهیم. فرق می‌کند که کسی ذهن شکل‌گرفته‌ای داشته باشد، یا این که ذهن آماده شکل‌گیری داشته باشد. جوان، امین امتیاز دوم را هم دارد.

امتیاز سوم این است که جوان، حق‌پذیر است و آنچه به او گفته بشود - در وهله اول برای همه جوان‌ها باید این طور فرض کرد - گوش می‌کند، برای یادگرفتن و عمل کردن؛ مگر در موارد استثنایی که عواملی وجود دارد که بنای بر





گوش نکردن و عمل نکردن دارد، و الا به طور طبیعی، جوان این گونه است و آمادگی پذیرش و عمل کردن هم دارد.

مخاطب شما غیر از این سه امتیازی که مربوط به جوانی است، امتیاز دیگری هم دارد، و آن این که با سواد و اهل معرفت است؛ او ترجیح دارد بر کسی که انسان برای فهمنانندن به او مشکل دارد و مطلب را درست درک نمی کند، جوان باسواد، این هم امتیاز چهارم.

امتیاز پنجم این است که آینده کشور در درست اوست. یعنی شما چنانچه بخواهید مخاطبین را در کل کشور، مرتب و تقسیم و از هم جدا و آفران کنید، شاید بشود گفت بهترین و اشرف مخاطبین، این مخاطبین هستند که شما با آنان در دانشگاه‌ها مواجه‌اید؛ جوان، با سواد، اهل معرفت، آینده دار و مؤثر در آینده کشور. **پیشد چقدر مهم است!**^۱



۳۳. خصوصیات روحانیونی که در دانشگاه‌ها فعالیت دارند

دانشگاه‌های ما به حضور شما آقایان علما و حضور روحانیون احتیاج دارند؛ و روحانی‌یی که باید در این دانشگاه‌ها برود، باید حتماً خصوصیات را در خود به وجود بیاورد. بحمدالله شما حالا این خصوصیات را بعضی کمتر، بعضی بیشتر دارید.

یک خصوصیت، خصوصیت علم و معرفت است. باید با دست پر رفت؛ به قدری که او احتیاج دارد. و تا انسان توانی در حد بالا نداشته باشد، نمی تواند کسی را از سطوح نازل به یک حدی بالا بکشد؛ «آن دو صد من استخوان باید که صد من بار بردارد» مثل قدیمی عامیانه، حرف کاملاً درستی است. شما هر کس را بالا بکشید، تا سینه خودتان می توانید بالا بکشید؛ این است دیگر.

پس بایستی انسان، سطح موجودی و تمکن فکری و علمی را در خود بالا

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نمایندگان محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۶/۷/۱۶.

بگیرد، تا بتواند این را بالا بکشد. طرف را نیابستی کوچک دید، سؤال او را بی ارزش، و نیاز او را حقیر، و خودش را کم نمونه تصور کرد، هر کسی این طور با مخاطبش برخورد کند، شکست خواهد خورد و در ارتباط گیری و اثر گذاری، موفقیتی به دست نخواهد آورد. حلق مخاطب را بایستی به او بدهید؛ او را مستحق و مستوجب التفات و توجه و اهتمام بدانید و به آن نسبت عمل کنید.

بنابراین شرط اول، این است که از لحاظ معرفت، آدم با دست پر به میان این مجموعه برود؛ الحمدالله این حاصل است، آقایان همه از فضلا هستند.

دوم این که او روحانیت شما را باور کند و روحانیت هم به لباس نیست. ای بسا صاحب لباسی که روحانی حقیقی نیست، و ای بسا غیر صاحب لباسی که حقیقتاً روحانی است! باید روحانی باشد اهل معنا، اهل روح، با روح و با ممنویت سر و کار داشته باشد.

باید سخن او باطنی داشته باشد؛ از باطنی بر بیاید. اگر سطحی و ظاهری و زبانی و صورتی بود، اثر نخواهد گذاشت. واقعاً «اذا خرج من اللسان، لم تجاوز الاذان». این گونه است دیگر. باید از قلب بر آید؛ آن هم متوقف است بر ایمان و توجه و ممنویت و روحانیت. و این را می شود به وجود آورد و تقویت کرد. هر وقتی که کار در این زمینه‌ها سخت و سنگین می شود، باید به ذخیره فیاض تمام نشدنی ذکرالله پناه برد - به نماز، به نافله، به توجه به خدا، به تضرع - این‌ها انسان را فیضان می بخشد.

اگر بخواهیم این باران طهوری که از سخن شما تراوش می کند و نازل می شود، حقیقتاً مطهر باشد و ادناس و ارجاس را از دل‌ها و ذهن‌ها بزاید، باید آن را تصفیه کنیم. همان طور که من مکرر از قول مولوی این مطلب را نقل کرده‌ام؛ می گوید: «این آب‌های عالم همه پلیدی‌های عالم را از بین می برد، همه کثافت‌ها و دنس‌ها و نجاست‌ها با آب تطهیر می شود؛ اما خود آب، متغیر و کثیف می شود. بعد این آب، برای این که دوباره طهارت خود را به دست بیاورد، عروج می کند؛ به شکل بخار بالا می رود و دوباره به شکل باران - ماء



طهورا - بر می گردد!
 معراجی لازم است، یک عروجی لازم است، برای این که انسان بتواند آن طهارت را بازیافت کند و مطهر بشود و وارد فضای ذهن و دل و فکر مخاطب بشود، تا بتواند او را تطهیر بکند؛ و الا آب آلوده، مطهر هم نیست.
 بنابراین، پناه بردن به ذکرالله و توجه به خدا و عرض نیاز و هدایت خواستن و تضرع کردن، این را تأمین و تضمین می کند. از این جهت، انسان هیچ مشکلی ندارد، و همیشه این ذخیره فیاض لطف و رحمت الهی، دم دست انسان است.
 این دو خصوصیت.

و البته خصوصیت سوم هم اخلاق و به اصطلاح آن عقل معاشرت است، که ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَیْظًا أَقْلَبَ لِانْقِصَا مِنْ خَوْلِكَ﴾. ایستی با مهربانی برخورد کرد؛ منتها مهربانی بدون ضعف - لین فی قوه، در بعضی از تعبیرات هست - و نرمش قدرتمندانه. نه این که انسان آن قدر لین باشد که هر چه گفتند - حرف غلط و نادرست و ناجور و این ها را - قبول کند و بپذیرد، برای این که می خواهد روی خوش نشان بدهد و طرف خوشش بیاید!

نه، این که «لین» نیست؛ این، ضعف است. یعنی آن بُرندگی را با نرمش همراه بکند؛ مثل تأثیری که قطرات آب بر روی سنگ می گذارد که با همان لین طبیعی خودش، آن قدر روی این سنگ می چکد، که این سنگ را تحت تأثیر قرار می دهد و گود می کند - لین به این معنا - با آن ها با نرمش، با محبت و با مدارا عمل شود.

این دانشجوی ها مثل فرزندان شما هستند؛ باید برخورد با این جماعت دانشجوی، مثل برخورد با فرزند باشد. انسان گاهی از فرزند خودش خطایی هم می بیند، حتی گاهی ممکن است عصبانی بشود؛ اما این عصبانیت، او را به یک برخورد خشن وادار نمی کند. باید این گونه باشد - مثل فرزندان خودتان - البته انسان برای فرزندان، مراتبی دارد؛ از یک فرزند خیلی راضی است، از یک فرزند

خیلی به آن حد راضی نیست.
 آنچه شما در محیط های دانشجویی مشاهده می کنید، آنچه خوب و درخشان و دلنشین برای شما است، همان طبیعت کار است؛ چون طبیعت جوان در محیط اسلامی، طبیعت خوب است. الان هم در این جماعت دانشجویی - که قریب یک میلیون دانشجوی در سراسر کشور داریم - باید بدانیم که اکثر قاطع این ها، همان جوان های مؤمن خودمان هستند؛ بچه های مؤمن، دل های پاک، صاف و حق پذیر، بچه های خوب.

البته در بین آن ها در گوشه و کنار، مواردی هم پیدا می شود که بچه هایی هستند که یک خرده رضایت والدین را جلب نمی کنند؛ آن ها را هم باید از سر تدبیر، برخورد کرد؛ و بدانید که دشمن نسبت به دانشگاه، خیلی فعال است؛ بسیار فعال است. همین خصوصیتی که راجع به جوان و اهمیت مخاطبین به شما عرض کردم، در تحلیل های قطعی دشمن وجود دارد.^۱

۳۵. تلاش برای حذف روحانیت از محیط سیاسی و دانشجویی، کار

ساده و فقط صنفی نیست

این معنا در دانشگاه هم صدق می کند؛ گاهی هم متأسفانه این کار به وسیله خودی ها انجام می گیرد. وقتی که ما می بینیم مثلاً یک سلسله کار بر مبنای حذف شخصیت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی شروع می شود، این کار، یک کار ساده و یک کار فقط صنفی نیست. این که مثلاً ما بپاییم بساط حوزه علمی را که بر مبنای تحقیق و دقت نظر و بر اساس مبناسازی و نوآوری و تجدید نظر و ابتکار است - که این روشن است؛ سبک و شیوه آموزشی و تعلیم و تعلم در حوزه های علمی، از اول بر مبنای تحقیق بوده - یک چیز تقلیدی و انمود بکنیم و امثال مطهری و بهشتی و این شاگردان حوزه را،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۷۶/۷/۱۶.



خودش را پیدا کند - به روحانیون برمی گشت! این تبلیغاتی بود که انجام شده بود.

هدف از این تبلیغات چه بود؟ هدف از تبلیغات، روحانیت نبود - روحانیت که خصوصیتی نداشت - هدف از این تبلیغات، دین بود. اگر ما بیاییم حیثیت روحانیت و قهاقت و رتبه علمی قهاقت و تأثیر آن را در حرکت کلی یک کشور منکر بشویم، یا زیر سؤال ببریم، یا دچار خدشه بکنیم، درحقیقت به گرایش دینی طبقه کارآمد و عظیمی لطمه زده ایم؛ و این همان کاری است که آن‌ها می‌خواهند، و آبی است به آسیاب دشمن ریختن؛ لذا باید در محیط دانشگاه، به این نکته خیلی توجه شود.^۱

۳۷. برگزاری اردوهای دانشجویی مختلط کار بسیار بی‌قاعده و

غلطی است

دانشجو را به کیش می‌برند! به جای کیش، سفر اصفهان یا مشهد را تدارک ببینید؛ بگذارید سفر او دستاورد معنوی داشته باشد. جوان هر جا برود، کیف حلال می‌کند. جوان از خوشی‌های جوانی لذت می‌برد. در سنین ما، از غذایی که ما نخیلی لذت نمی‌بریم، جوان می‌خورد و لذت می‌برد؛ از منظره‌ای که اصلاً برای ما جاذبه‌ای ندارد، جوان کیف می‌کند؛ این خاصیت جوانی است. چون پیرمردها این دوره را گذرانده‌اند، می‌دانند آن‌جا چه خبر است؛ دوستانی که اطلاع ندارند، بدانند. می‌خواهید جوان را سفر ببرید؛ یک سفر روستایی هم که او را ببرید، برایش تنوع است و شادی دارد. آیا باید حتماً او را به کیش ببرند، چون در آن‌جا بعضی از ضوابط سست است - البته بر خلاف حق سست است - و این جوان بتواند ضابطه‌شکنی کند؟! اسلامی شدن دانشگاه‌ها این است؟! یا مثلاً اردوی مختلط برگزار می‌کنند! من خیلی تعجب کردم؛ اردوی مختلط دانشجویی؟! نفس اردوی مختلط، بد است.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.

استثنای حوزه تلقی کنیم، یک اشتباه است.

طبیعتاً کسی که حوزه را درست نمی‌شناسد، کسی که نمی‌داند حوزه چیست، چنین اشتباهی را مرتکب می‌شود. البته به احتمال فراوان، بلکه شاید به طور یقین، آدم می‌داند که این‌ها از روی بی‌غرضی هم گفته می‌شود؛ یعنی نظر سومی وجود ندارد؛ اما حرف خلاف واقع و فسادآور است. این موجب می‌شود که ارزش علمی و معنوی روحانیت - که پرچمدار و نماینده دین است - در چشم محیط دانشگاهی و دانشجویی از بین برود؛ کمالین که شبیه این کار، متنها با شیوه‌های ناآشنا تری، قبل از انقلاب انجام می‌شد و بی‌تأثیر هم نبود. واقعاً قبل از انقلاب، جماعت دانشگاهی، آخوند جماعت را آدم‌های پُرگویی نادان پُر توقع هیچ چیزندان می‌دانستند! من با عده زیادی از آن‌ها مواجه بودم. مثلاً در یک جلسه، با یک طلبه که می‌نستند و دو کلمه حرف حساب می‌شنیدند، می‌گفتند عجب، واقعاً در بین روحانیت، مثل شمایی وجود دارد؟! در حالی که آن طلبه، یک طلبه معمولی بود. آن‌ها روحانیت را نمی‌شناختند؛ یعنی تلقی دستگاه‌های علمی و دانش کشور از روحانیت، غلط بود. حوزه علمیه، اصلاً مرکز علم و تحقیق بوده است. اگر علم برای علم، و علم بدون قصد مزه، مصادیقی در کشور ما داشته باشد، از قدیم در حوزه‌های علمیه بوده است؛ ولی آن‌ها این‌جا را یک محیط بی‌علم می‌دانستند!^۱

۳۶. هدف از تبلیغات علیه روحانیت، ضربه زدن به دین بود

آن زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، آن پارسایی‌هایی که در محیط روحانیت و در محیط طلبگی و بیرون از طلبگی بود و امروز هم بحمدالله هنوز به طور غالبی وجود دارد، این را در چشم این جماعت دانشگاهی و متجدد، تبدیل کرده بودند به این که آخوند مفت‌خور است! تعبیر مفت‌خور، چیز روشنی بود. وقتی در جایی می‌گفتند مفت‌خورها، بدون هیچ اشاره و قیدی - مثل ضمیری که مرجع

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.



آقایانی که الان دست‌اندرکار اردوی مخططانند، همان کسانی هستند که سال‌های ۶۳ و ۶۴ در کلاس‌های دانشگاه دیوار کشیدند! بنده به دستور امام رفتم در نماز جمعه گفتم این کار بد است. من نمی‌فهمم این‌ها چطور این‌گونه عوض می‌شوند و صدوهشتاد درجه جهت راهشان را تغییر می‌دهند. امام به من گفتند این چه کاری است؛ ما هم رفتیم در نماز جمعه تهران گفتم این کار، کار مناسبی نیست. دیوار کشیدن، خلاصه حرف انقلاب و حرف ما نیست. حالا همان آقایان نه در کلاس، بلکه در اردوی شبانه‌روزی چند روزی، دختر و پسر را همراه می‌کنند! یعنی چه؟! کار بسیار بی‌قاعده و غلطی است.

در مناطقی از دنیا، معاشرت دختر و پسر و زن و مرد با یکدیگر، کاملاً عادی است و هیچ‌گونه حساسیتی وجود ندارد؛ یعنی همان‌طور که دو مرد یا دو زن با یکدیگر تماس دارند، دو تازن و مرد هم با هم تماس دارند؛ اما در کشور ما و در محیط اسلامی، مطلقاً این‌طور نیست. در کشور اسلامی، هر قدر به این جهت نزدیک شده‌ایم، به‌خاطر رنگ‌پذیری از فرهنگ بیگانه بوده است. چون آن‌ها از لحاظ تکنولوژی قوی‌تر از ما بوده‌اند، این را به ما داده‌اند؛ و الا اگر ما از لحاظ علم و تکنولوژی از اروپا قوی‌تر بودیم، اختلاط آن‌ها را مسخره و می‌چند می‌کردیم و آن را وحشیگری می‌خواندیم. آن‌ها به برکت علم و تکنولوژی، این فرهنگ را صاعد و رایج کرده‌اند؛ آن وقت ما در دانشگاه‌های خود، این را ترویج کنیم!^۱

۳۸. نباید در دانشگاه‌ها موسیقی ترویج شود

الان در دانشگاه‌های کشور موسیقی ترویج می‌شود؛ نباید بشود. ترویج موسیقی، کاری است برخلاف مذاق اسلام. درست است که هر نوع موسیقی حرام نیست، اما معنای ترویج موسیقی این نیست که با دقت بگردند موسیقی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.

غیر حرام را پیدا کنند و آن را تعلیم دهند و ترویج کنند.^۱

۳۹. جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است

در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقاد این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است؛ نشان می‌دهد که می‌توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت؛ این همان کاری است که شماها مشغول‌اید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ در پوزه‌گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست؛ دنبال علم می‌روید تا آن را به دست بیاورید؛ این علم جهادی و علم برخاسته از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس.

[جهاد] میدان‌هایی دارد؛ یکی از میدان‌هایش حضور در نبردهای مسلحانه رایج جهانی است. میدان سیاست هم دارد؛ میدان علم هم دارد؛ میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته می‌شود؛ این می‌شود مبارزه. جهاد یعنی یک چنین مبارزه‌ای، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه تقدس هم پیدا می‌کند. شما مبارزه علمی می‌کنید؛ زیرا این کار شما به‌طور واضح دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی‌خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام بگیرد. لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمنگ‌بری و حرکت است. هر چه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده‌ایم.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۸.



۴۰. اهمیت کار فرهنگی در دانشگاه‌ها

ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم؛ نه فقط بستر اصلی درس خواندن و علم آموختن. فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی‌اش هم در بستر فرهنگی است. فرهنگ، یعنی خلیقات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش؛ این‌ها تشکیل دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است؛ این‌هاست که یک ملت را با شجاع و غیور و جسور و مستقل می‌کند، یا سرافکنده و ذلیل و فرو دست و خاک‌نشین و فقیر می‌کند.

فرهنگ، عنصر خیلی مهمی است. ما نمی‌توانیم از فرهنگ و رشد فرهنگی و پرورش فرهنگی صرف‌نظر کنیم. فرهنگ هم مثل علم است؛ فرهنگ هم گیاه خودرو نیست. همه آنچه شما از نشانه‌ها و مظاهر فرهنگی در جامعه خودتان و در هر نقطه‌ای از دنیا می‌بینید، بدون تردید این بذر راستی افشانه است. البته انسان بعضی از دست‌ها را می‌بیند، اما بعضی از دست‌ها را نمی‌بیند؛ از داخل خانه، تا درون مدرسه، تا فضای خیابان، تا رادیو و تلویزیون، تا ماهواره، تا تبلیغات جهانی، تا اینترنت، و از این قبیل چیزها. فرهنگ، هدایت و پرورش دادن می‌خواهد. بنابراین در دانشگاه‌ها کار فرهنگی بسیار مهم است.^۱

۴۱. استاد ایده آل

استاد چون می‌تواند محیط دانشجویی را تحت تأثیر قرار دهد، باید‌هایی دارد؛ این باید‌ها را حتماً باید رعایت کنید؛ منتها در حد مقدور؛ لااقل به نسبت مطلق‌اش راضی نشوید، یا به هیچ وجه به ضدش راضی نشوید. استاد باید سرشار از عشق به اسلام و انقلاب و غرور ملی و دینی باشد؛ استاد ایده آل این است. استاد واقعاً باید احساس غرور ملی و غیرت دینی بکند و سرشار از روحیه خدمت باشد؛ یعنی حقیقتاً بخواهد کار کند و این جوان‌ها را مثلاً

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۷/۸/۱۳۸۲.

بچه‌های خودش پرورش دهد. حالت بی تفاوتی، بی‌اعتنائی، از سر واکردن و کلاس را به هرچه هرچه گذراندن، مطلقاً در یک استاد قابل قبول نیست. استاد باید مدافع خلاقیت و نوآوری و ابتکار باشد...

استاد باید از جریان‌ات جهان آگاه باشد. استاد ما در محیط کلاس، به خاطر اثرگذاری‌اش باید این چیزها را بداند.

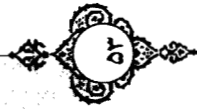
استاد باید سیاست زده نباشد؛ نه این که سیاست نفهمد. فقره قبلی که عرض کردیم، لازم‌اش دانستن سیاست است؛ اما سیاست دانستن و سیاسی بودن، غیر از سیاست زده بودن و سیاسی کار بودن است. سیاسی کاری بد است. باید بفهمند چه کار دارند می‌کنند؛ اما این که مرتب همه کارهایشان بر محور یک انگیزه سیاسی باشد، بسیار بد است؛ به خصوص وقتی که انگیزه‌های سیاسی جنبه‌های جناحی و شخصی و حزبی پیدا می‌کند، که این دیگر بد اندر بد می‌شود! استاد باید برای دانشجو وقت بگذارد.^۱

۴۲. استاد می‌تواند دانشجوی خود را مقربین بار بیاورد، چنان که می‌تواند منکر همه مقدسات هم بار بیاورد!

من خلائی را در ارتباط استاد و دانشجو مشاهده می‌کنم که این خلاء باید به وسیله شما پر شود. دانشجوی ما در محیط علمی ضمن این که علم می‌آموزد، می‌تواند خیلی از درس‌های غیر آن علم مورد نظر را هم از استاد بیاموزد و فراگیرد؛ از جمله آن‌ها، غرور ملی، علاقه‌مندی به میهن، دلبستگی به آینده کشور و افتخار به تاریخ و گذشته کشور است. این‌ها عواملی است که می‌تواند در یک جوان دانشجو تأثیرات بسیار عمیق و مثبتی بگذارد.

البته من در صدد انکار عوامل گوناگونی که ممکن است جوانی را دلسرد یا مأیوس و دلخسته کند، نیستم، این‌ها هم عواملی است در جای خود محفوظ اما این بخش هم نادیده گرفته نشود که استاد در کلاس درس می‌تواند دانشجوی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۷/۸/۱۳۸۲.



این را آقایان توجه بفرمایند که اگر چنانچه یک استاد این چنینی پیدا کردید باید برخورد خشن با او بشود. یعنی مسئله ضدیت با مباحث و مسائل انقلابی تا این حد که موجب نشود یک استاد که شاگرد خودش را باید مثل فرزند خودش دوست بدارد به خاطر چادر داشتن با او برخورد نکند، اینجا معلوم می شود این استاد نسبت به دین و مسائل اسلامی و مسائل انقلابی، خیلی در دل عناد دارد. لهذا اگر یک چنین معاندی وجود دارد، چه لزومی دارد که شما از چنین استادی استفاده کنید؟!^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۱/۸/۱۹.

خود را متدین و معتقد به دین بار بیاورده؛ چنانکه می تواند ملحد و منکر همه مقدسات هم بار بیاورده؛ ولو کلاس، کلاس علم و دین نباشد؛ کلاس فیزیک و طبیعی و تاریخ و هر درس دیگری باشد.

استاد، هم می تواند دانشجو را یک انسان دل بسته و مباحث کننده به کشور بار بیاورده؛ هم می تواند یک انسان لابلای، بی علاقه، نادلبسته به میهن و به گذشته و آینده کشور بار بیاورده.

اعتقاد من این است که در زمینه تبلیغ دین، مؤثرترین وسیله ای که می تواند دانشجو را دینی و علاقه مند به مبانی دینی بار بیاورده، همین نکته ها و اشارات و کلمه های است که یک استاد می تواند در کلاس با شاگردان خود در میان بگذارد. اشارات ای از یک استاد، گاهی اوقات تأثیرات عمیقی در دل می گذارد؛ اما گاهی عکس آن دیده می شود.^۱

۳۳. با چنین استادی باید برخورد خشن بشود

من خواهش می کنم آقایان رؤسای دانشگاه ها به این توجه داشته باشند و دستگاه هر دو وزارتخانه هم توجه کند که چنین چیزی امکان ندارد که یک پسر دانشجوی ما به خاطر ظاهر مذهبی بودن مورد بی مهری قرار بگیرد، یا دختر دانشجوی ما به خاطر حجابش مورد بی مهری یا خدای نکرده مورد اهانت قرار بگیرد. البته این ها گزارش هایی است که تا حالا به من رسیده و قطعی نشده و شاید یکی دو مورد چندی پیش در حد نزدیک به یقین بوده، بنده هم یک عکس العملی نشان دادم. اما این طور نباشد که استادی را که نسبت به مسائل انقلابی خیلی اهمیت نمی دهد و ما چندی پیش برای او شفاعت کردیم و به دانشجویان گفتیم عیبی ندارد بگذارد این استادها بیایند درس بدهند و بروند حالا این استاد بیاید در کلاس یا در محیط امتحان طوری برخورد نکند که دانشجویی مسلمان و انقلابی احساس ناامنی نکند. این اصلاً قابل قبول نیست.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.



دانشجو

۴۴. **دانشجو کیست؟**
کلمه دانشجو از لحاظ بار معنایی، از جهت دیگری حامل معنای خیلی جالب توجه و مهمی است. دانشجو یعنی جوان طالب علمی که آینده در دست اوست. این خصوصیات، در کلمه دانشجو هست. دانشجو، یعنی جوان؛ چون دانشجویی، قهراً مربوط به دوران جوانی است. طالب علم بودن و جستجویی از دانش هم در کلمه دانشجو هست.
چون فرض این است که آینده کشور، به سمت اداره علمی کشور پیش می‌رود دیگر؛ یعنی به سمت اداره عالمانه و منطبق بر موازین دانش پیش می‌رود، و هر کشور و هر جامعه‌ای که علم و فهم و محاسبه دقیق، در همه شؤون آن دخالت داشته باشد، وضعیتش بهتر است.
بنابراین دانشجو یعنی کسی که ناظر به آینده، و متعلق به آینده است؛ آینده هم متعلق به اوست. ببینید، این عناوین و مفاهیمی که در کلمه دانشجو گنجانده شده، خیلی مهم است. به همین دلیل، فوراً این‌جا استفاده کنیم؛



اگر دانشجو از لحاظ جهت‌گیری فکری و سیاسی دچار انحراف باشد، مصیبت بزرگی خواهد بود. درست است؟

اگر هدف دانشجو این باشد که درس بخوانم، برای این که زندگی شخصی خود را مثلاً آباد کنم، بقیه هر چه شد، بشود؛ خطر خیلی بزرگی است.

اگر جهت زندگی دانشجو این باشد که به مسائل جامعه و آنچه که می‌گذرد بی‌اهمیت، بی‌اهتمام، بی‌علاقه و بی‌مبالا باشد، مصیبت خیلی بزرگ است.

فرض بفرمایید به دانشجو گفته شود که بخشی از نیروهای کشور... چهار آفات عقیدتی و فکری‌اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! همچنان که اگر بگویند بخشی از مردم در فلان جا دچار زلزله شدند و از بین رفتند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! بخشی از مردم از لحاظ وضع معیشتی دچار دشواری و مشکلاتند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! این حالت بی‌تفاوتی مصیبت خیلی بزرگی است.

کسی که بناست فردا امور مملکت در دست او باشد، این قدر نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت مردم بی‌اعتنا باشد، خیلی نگران‌کننده است. از این نگران‌کننده‌تر، این است که بی‌تفاوت نیست، حساس است متنها حساسیت منفی؛ یعنی درست علاقه‌مند به این است که بخشی از مردم جامعه فرضاً در یک زلزله نابود بشوند! حالا زلزله، یک مثال واضح، و یک نوع آفت جسمانی مادی است؛ از این بدتر، آفت معنوی است که کسی به آن توجه نمی‌کند. مثلاً دلش بخواهد که مردم، غرق در شهوات بشوند، دلش بخواهد که مردم، غرق در بی‌ایمانی بشوند؛ خودش هم اصلاً این‌طور باشد و به این سمت بتازد! ببینید مسئله دانشجو چه قدر حساس می‌شود!

اگر ما معنای دانشجو و مفاهیمی که منظوری و مندرج در عنوان دانشجو است به دقت مورد ملاحظه قرار بدهیم، باید نسبت به سرنوشت فشر دانشجو خیلی حساس بشویم هر که هستیم؛ چه خودمان دانشجو باشیم، چه استاد، چه مسئولان آموزش عالی کشور، چه از مسئولان کشور و چه آدمی معمولی باشیم

داریم در خیابان راه می‌رویم اگر بدانیم دانشجو یعنی چه، باید نسبت به سرنوشت دانشجو خیلی حساس باشیم...

۲۵. دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو

دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو هست، که هیچ‌کدام نبایستی مغفول عنه بماند؛ اگر مغفول عنه ماند، ما ضرر خواهیم کرد. یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادهای علمی و این قبیل چیزهاست؛ یکی هم عبارت است از روحیه و تدبیر و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو. در دانشگاه‌ها، این دو عنصر بایستی بدون تفکیک از یکدیگر، با قدرت و با ظرفیت کامل کشور، تعقیب بشود.

اگر در کار عنصر اول کوتاهی کردیم، نتیجه چیست؟ همه می‌دانند. دانشگاهی که نتواند علم و تحقیق را به دانشجو منتقل بکند، و نتواند دانشجو را یک عالم، یک استاد، یک صاحب صلاحیت، یک مبتکر، و بالاخره یک مدیر بالفعل برای بخشی از بخش‌های بی‌شمار اداره جامعه بسازد، آن دانشگاه، دیگر دانشگاه نیست. در این زمینه، مسئله استاد، مسئله کتاب درسی، فضای آموزشی، آزمایشگاه و مجلات علمی هست؛ از این چیزهایی که دائم وارد زبان ما هست و همه ما هم آن را دنبال می‌کنیم. همه شماها هم تقریباً دانشگاهی هستید و به این مسائل خیلی خوب توجه دارید و دنبال می‌کنید. ان‌شاءالله روزبه روز هم باید به قدر امکانات کشور پیشتر برویم.

عنصر دوم، عبارت است از روحیه و تدبیر و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو... در فضای عمومی دانشگاهی کشور، به این نکته دوم یعنی مسئله روحیه و تدبیر و آگاهی دانشجو و بیرون آوردن او از حالت یک عنصر علمی بی‌جهت و بی‌هدف، به سمت یک عنصر علمی جهت‌دار

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶/۱/۱۸.

اگر دانشجو از لحاظ جهت‌گیری فکری و سیاسی دچار انحراف باشد، مصیبت بزرگی خواهد بود. درست است؟

اگر هدف دانشجو این باشد که درس بخوانم، برای این که زندگی شخصی خود را مثلاً آباد کنم، بقیه هر چه شد، بشود؛ خطر خیلی بزرگی است.

اگر جهت زندگی دانشجو این باشد که به مسائل جامعه و آنچه که می‌گذرد بی‌اهمیت، بی‌اهتمام، بی‌علاقه و بی‌مبالا باشد، مصیبت خیلی بزرگ است.

فرض بفرمایید به دانشجو گفته شود که بخشی از نیروهای کشور... چهار آفات عقیدتی و فکری‌اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! همچنان که اگر بگویند بخشی از مردم در فلان جا دچار زلزله شدند و از بین رفتند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! بخشی از مردم از لحاظ وضع معیشتی دچار دشواری و مشکلاتند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!! این حالت بی‌تفاوتی مصیبت خیلی بزرگی است.

کسی که بناست فردا امور مملکت در دست او باشد، این قدر نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت مردم بی‌اعتنا باشد، خیلی نگران‌کننده است. از این نگران‌کننده‌تر، این است که بی‌تفاوت نیست، حساس است متنها حساسیت منفی؛ یعنی درست علاقه‌مند به این است که بخشی از مردم جامعه فرضاً در یک زلزله نابود بشوند! حالا زلزله، یک مثال واضح، و یک نوع آفت جسمانی مادی است؛ از این بدتر، آفت معنوی است که کسی به آن توجه نمی‌کند. مثلاً دلش بخواهد که مردم، غرق در شهوات بشوند، دلش بخواهد که مردم، غرق در بی‌ایمانی بشوند؛ خودش هم اصلاً این‌طور باشد و به این سمت بتازد! ببینید مسئله دانشجو چه قدر حساس می‌شود!

اگر ما معنای دانشجو و مفاهیمی که منظوری و مندرج در عنوان دانشجو است به دقت مورد ملاحظه قرار بدهیم، باید نسبت به سرنوشت فشر دانشجو خیلی حساس بشویم هر که هستیم؛ چه خودمان دانشجو باشیم، چه استاد، چه مسئولان آموزش عالی کشور، چه از مسئولان کشور و چه آدمی معمولی باشیم

توجه کافی وجود ندارد. انسان با کامپیوتر متفاوت است. به کامپیوتر برنامه می‌دهند، آن هم برایشان جواب مسئله را حاضر می‌کند؛ اما انسان که ایستادگی نیست، انسان خودش برنامه خودش را تنظیم می‌کند؛ خودش تصمیم می‌گیرد و خودش جهت‌گیری پیدا می‌کند. اگر ما از این جهت دوم غفلت نکنیم، دانشگاه همان چیزی خواهد شد که در بیانات امام، مکرر در مکرر نسبت به آن هشدار داده شده است.^۱

۳۶. ارزش‌های بزرگی که دانشجویان ما به آن آراسته‌اند و لازم است آن را حفظ کنند

تدین و تعبد و پاکی دل و دامان که بحمدالله مجموعه‌های قابل توجهی از جوانان دانشجویی ما به آن آراسته‌اند ارزش بسیار بزرگی است؛ این راز دست ندهید. عمده اشکالات و انحرافات سیاسی، شروءش از نقطه مخدوش شدن این ارزش است. نمی‌گویم همه اشکالات و انحرافات؛ می‌گویم عمده آن‌ها.... در شما دختر و پسر مؤمن و متعهد، موجود بسیار باارزشی وجود دارد که ارزش آن موجود، از دنیا و مافیها بیشتر است؛ و آن، سلامت دل، سلامت نفس، پاکی روح و نالودگی یا کم‌الودگی آن است. البته نمی‌گویم به کلی نالودگی؛ بالاخره هر کس ممکن است فلذاتی داشته باشد؛ به قول قرآن، «الآن للهم»؛ گناهی که یک وقت از روی خطا و اشتباه از دست انسان دررفته؛ از این‌ها ممکن است وجود داشته باشد؛ ولی آن نورانیت و صفا و پاکی فطری و ذاتی را که الحمدالله در محیط دین‌گشور رشد پیدا کرده است حفظ کنید. یک وقت اگر خطایی هم پیش می‌آید، بلافاصله به خدای متعال رو کنید و پشیمانی و انابه و تصمیم بر این که انسان گناه نکند، راه علاج این خطاهاست؛ این ارزش خیلی بزرگی است....

ارزش دیگری که خیلی مهم است و تلاش می‌شود تا در محیط دانشجویی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۹/۲۰.

این ارزش هم از بین برود، عبارت است از امید و اعتماد به آینده. چگونگی به آینده‌ای که نمی‌دانیم چیست، اعتماد کنیم؟ اعتماد به آینده، از طریق اعتماد به خودتان. آینده باید خوب باشد. از راه تصمیم‌گیری، فکر کردن، عمل کردن و اقدام بی‌دری، شما می‌توانید به آینده امیدوار باشید. آینده‌ای که می‌خواهیم به آن امید ببندیم، تصویر کلی آن این است که نظام اسلامی همه ضعف‌هایی را که بر اثر بد عملی و بی‌عملی پیش آمده که اثرش در معیشت و فرهنگ و اخلاق مردم، جابه‌جا مشخص است بر طرف کند. این کار را چه کسی باید بکند؟ شماها باید بکنید. زمان هم خیلی طولانی نخواهد بود. این‌هایی که الان سر کارند، ده، پانزده سال قبل مثل شما دانشجوی بودند. شما می‌توانید بنیه حقیقی دینی و سیاسی، قدرت تحلیل، تصمیم‌گیری، شناخت و ایستادگی در مقابل فشارهای گوناگون دشمن را - که تا جایی که بتواند، فشار وارد می‌کند و انسان باید مثل صخره در مقابل او بایستد - از حالا در خودتان به وجود بیاورید و ذخیره کنید و نگه دارید؛ برای این که بتوانید آینده را بسازید. بدانید، مثل شما، همدل و همفکر و هم‌آزروی با شما، در این کشور فراوان هستند. شما کار خودتان را بکنید؛ دیگری هم هستند که دارند کار خودشان را می‌کنند.^۱

۳۷. خودسازی فکری، اخلاقی و انقلابی برای دانشجویان یک فریضه است

به شما دانشجویان می‌گویم، سنگربان این سنگر [دانشگاه] شما؛ مواظب باشید خاکریزها تا آن سست نشود؛ دائم خاکریزها را ترمیم کنید. خاکریزها، خاکریزهای فرهنگی و فکری است؛ این‌ها را ترمیم کنید. خودسازی فکری و اخلاقی و انقلابی درونی دانشجویان یک فریضه است - چه هر دانشجویی نسبت به خودش، چه به معنای درون دانشگاه و محیط دانشگاه - این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای جامعه اسلامی دانشجویان، ۱۳۸۱/۶/۱۶.

دانشگاهی می‌بیند. پس آن مجموعه‌ای که دچار یک چنین تحجری باشد، دیگر روشنفکر نیست، چون روشنفکری لازمه‌اش حق‌طلبی، چشم‌باز، تکیه به منطق و استدلال است. این که مسلمان هم نمی‌خواهند باشد، برای این است که می‌دانند مسلمانی، خطرناک است. امروز عمده در دسرهایی که اردوگاه استخبار و مشخصاً آمریکا و صهیونیسم دچارش هستند - که این در دسرهای خیلی زیاد هم است به خاطر این است - که مسلمان‌ها به یک خودآگاهی رسیده‌اند که در این خودآگاهی، امام بزرگوار و ملت ایران و انقلاب و نظام ما نقش فراوانی داشته است. عمده در دسر آن‌ها از این ناحیه است؛ لذا می‌خواهند این را بکنند. به همین جهت از مسلمان بودن دانشجوی به شدت ناراضی و ناخشنوداند.^۱

۵۰. مشکلات مسئله ساز دانشجویان

۱. مشکل اول، مشکل دچار شدن به ابتدال و بی‌تفاوتی و نفوذپذیری در مقابل فرهنگ‌های بیگانه و مضر است. دانشجوی در معرض این فرهنگ‌ها قرار می‌گیرد و این مشکل دانشگاه‌هاست. من کرا در این اجتماعات دانشجویی و دانشگاهی گفتم که چرا وقتی کسی وارد حوزه می‌شود، قاعدتاً متدین خارج می‌گردد؛ اما وقتی داخل دانشگاه می‌شود، قاعدتاً متدین خارج نمی‌گردد؟! چرا باید این طوری باشد؟ واقعاً هم توقع درستی است و باید در نهایت این باشد؛ اما واقعیت قضیه غیر از این است. واقعیت قضیه این است که دانشگاه محیطی است که به خاطر کثرت جوان در سنین خاص و وجود زن و مرد، در معرض انواع و اقسام انگیزه‌ها و گرایش‌های اخلاقی و فرهنگی ناسالم قرار گرفته است. دانشجوی، غیر از آن جوان در بازار است که نه از مجله خارجی، نه از کتاب خارجی و نه از معارف بیرون این مرز اصلاً مطلع نیست. دانشجوی، قاعدتاً اطلاع پیدا می‌کند و آگاه و هوشیار است و معارف دنیا برایش مطرح می‌شود. پس این فرد، در معرض نفوذ آسیب‌های فرهنگی و بی‌مبالاتی در مقابل دین و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷.

خودسازی، همان ترمیم خاکریزها و سنگرهاست.^۱

۴۸. دانشجوی متدین و حزب اللهی کسی است که:

به نظرم به دانشجویان هم این نکته را گفتم که هر کس شب بیست و یکم، قرآن سرش گرفت و «یک یا الله» گفت، از نظر من او همان دانشجویی است که من می‌گویم متدین و خدایی و مسلمان و حزب‌اللهی است؛ کاری ندارم از کدام حزب و جناح و تشکیلات است.^۲

۴۹. برداشت و توقع بنده و نظام اسلامی از جماعت دانشجویان این است که:

برداشت و توقع بنده و نظام اسلامی از جماعت دانشجویان این است که فکر می‌کنیم دانشجوی یک روشنفکر تمام عیار مسلمان است؛ متدین است. در سطح دنیا جریاناتی وجود دارند که بعضی‌شان در ایران شعبه هم دارند که دانشجوی را نه روشنفکر می‌پسندند، نه مسلمان. روشنفکر نمی‌پسندند، زیرا او را دچار تعصب‌ها و تحجراتی حزبی و سیاسی و وارداتی می‌کنند. ما وقتی می‌گوییم تحجر، فوراً ذهنمان می‌رود به تحجر مذهبی؛ بله آن هم یک نوع تحجر است، اما تحجر فقط تحجر مذهبی نیست، بلکه خطرناک‌تر از آن، تحجر سیاسی است؛ تحجراتی ناشی از شکل‌بندی تحزب و سازمان‌های سیاسی است که اصلاً امکان فکر کردن به کسی نمی‌دهند. اگر ده دلیل قانع‌کننده برای حقانیت یک موضع ذکر کنیم، قبول می‌کند، اما در عمل طور دیگری عمل می‌کند! چرا؟! چون حزب، آن تشکیلات سیاسی بالای سر - مثل پدرخوانده مافیا از او این‌گونه خوانسته؛ این را انسان متأسفانه در برخی از گوشه‌های کنارهای حتی محیط

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.

آمریکا و اروپا بر همهٔ دنیاست؛ یعنی ایجاد جوامع دموکراتیک به سبک غربی و همین چیزی که شما می‌بینید دنیا رویش حساس است. اگر در جهت ایجاد حجاب، یک ذره نسبت به لباس افراد این جوامع تعرض بشود، همهٔ دنیا را غوغا برمی‌دارد؛ ولی اگر در جهت کشف حجاب، به لباس کسی تعرض بشود، یک صدم آن در دنیا غوغا نمی‌شود! این واقعیتی است. امروز یکی از نشانه‌های تمدن و نظام جدیدی که دنیای استبداد می‌خواهد بی‌سروصدا بر همهٔ عالم حاکم بکند، همین است.

۳. مشکل سوم، همین مشکل مدرک‌گرایی و توجه وافر به زندگی مادی و اضافات و احلام جوائی است. در حوزه‌ها، به شکل سنتی چنین چیزی نیست اگرچه گاهی به شکل عارضی هست اما جوان دانشجو که کارش تحصیل علم است، به این سمت کشانده و رانده شده که به فکر آینده و دکان آینده و کار آینده و پول و این که کدام رشته، پُر درآمدتر است و کدام رشته توانایی‌های بیشتری به آدم می‌دهد، باشد. این هم مشکل بزرگی است که بایستی به فکرش بود؛ چون به علم لطمه می‌خورد.

۴. مشکل دیگر، مشکل آلت دست جریان‌های سیاسی شدن و سیاسی کاری در دانشگاه است. گاهی اوقات، دانشجو خودش هیچ ایده و انگیزهٔ سیاسی خاصی ندارد؛ اما آلت دست یک جریان و یک گروه سیاسی کار قرار می‌گیرد که آن‌ها از او، چماق می‌کنند و به سر هر کسی که می‌خواهند، می‌زنند. این هم یک مشکل بسیار بزرگ و حساس است.

۵. مشکل دیگر، مشکل ابهام در جریان‌ها و عملکردهاست. دانشجو، به طور طبیعی روشنفکر است؛ یعنی جزو گروه‌های روشنفکر قهری است و نسبت به اوضاع جاری کشور، صاحب نظر و صاحب فکر و صاحب عقیده است و می‌خواهد اظهار نظر بکند. دانشجو، به این قانع نیست که بگویند ما اینطور تشخیص داده‌ایم و می‌خواهیم عمل بکنیم. دانستن و اظهار نظر او، با تعبد هم منافات ندارد. تعبد هم می‌کند، اما دلش می‌خواهد وجه این کاری را که به آن



بی تفاوتی در مقابل ارزش‌های دینی و انقلابی است. این، یکی از مشکلات محیط دانشجویی و دانشجوست.

۲. یکی از مشکلات دیگر که نزدیک به مشکل قبلی است آسیب‌پذیری در مقابل لغزش‌ها و انحرافات فکری است. در گذشته که مارکسیسم خیلی فاعل و پرنشاط بود، هر کسی که با دانشگاه ارتباط داشت، واقعاً این را به روشنی می‌یافت. اصلاً در دانشگاه، حتی آن دانشجوی مسلمانی که سوهان تفکر مارکسیسم به مغزش نخورده بود، خیلی به ندرت می‌شد پیدا کرد. بعضی از این عناصر روشنفکر نام و نشان‌داری که جزو مسلمانان هستند - زنده و مرده - شما امروز به افکارشان اعتراض می‌کنید - که اعتراض‌های بجایی هم هست نقطهٔ اشکال فکری این‌ها، همان چیزی است که خاصیت دوران دانشجویی دانشگاهی آن‌ها بود. تفکر مارکسیستی وارد می‌شد، زید می‌دید که می‌خواهد مارکسیسم را رد بکند؛ برای رد آن، از معارف مارکسیسم استفاده می‌کرد؛ یعنی «بوتی من حیث یفر منه!» این، در تفکرات و بیانات کسانی که در دههٔ قبل انقلاب، بدون اطلاع و آگاهی‌های کامل اسلامی، در میدان مارکسیسم وارد می‌شدند، زیاد دیده می‌شد. اصلاً تفکرات مارکسیستی در آن‌ها نفوذ کرده بود در همهٔ مغز و ذهنشان اشراب شده بود. در آن زمان، چنین چیزی محسوس بود اما امروز نیست و یا لاقلاً به شکل مکتبی‌اش وجود ندارد؛ اگرچه ته‌مانده‌های باز هم هستند و هنوز زائل نشده‌اند. در در عین حال، امروز انحرافات جدید وجود دارد. دنیا که تنها با انحراف مارکسیسم، منحرف نشده است؛ قبل مارکسیسم هم تفکرات غلط و انحرافی و ضد اسلام بوده، بعد از مارکسیسم وجود دارد و الان هم هست. همین تفکراتی که امروز به وسیلهٔ بعضی فیلسوفان یا فیلسوف‌نمایان اروپایی در دنیا پخش می‌شود - که البته نمی‌خواهیم اسم بیاورم، تا حرف کلی ما به جایی نزدیک نشود - حماة الحطب دموکراسی نوع سوسیال دموکراسی‌های غربی است.

الان در دنیا تفکراتی هست که جاده‌صاف‌کن تسلط استعماری نوع جلد





تعبید کرده است، بدانند. اگر ندانست، تدریجاً دچار شبهه و ابهام می‌شود. این ابهام، او را حتی در نفس تعبید هم تضعیف می‌کند و تعبیدش رفت‌رفته ضعیف می‌شود. یکی از مشکلات دانشجویان، این است. دانشجویان، چون غالباً از جویانات هم بی‌خبرند و از بطون کارها اطلاع ندارند، چنانچه خبری در رادیو یا در روزنامه پخش شود، ذهنشان شروع به کار می‌کند. این در صورتی است که مؤثر خارجی هم نباشد؛ اگر باشد، که دیگر و اویلاست!

۴. و بالاخره، آن مشکلی که به نظر مهم‌ترین مشکل است، مشکل بی‌هویتی و عدم درک رسالت واقعی در قبال جامعه، در قبال خودش و در قبال تاریخ و آینده است. دانشجویان، حقیقتاً نمی‌دانند که چه کاره است. او نمی‌داند که الان چه کاره است و در آینده چه نقشی خواهد داشت؛ مثل کاسبی که به دنبال نان و نام می‌دود و زندگی می‌کند. به عبارت دیگر، رسالت حقیقی دانشجویان، برای خود او درست روشن نیست. این‌ها مشکلات دانشجویان است. بخشی از این مشکلات را گفتیم؛ اما یقیناً بیش از این‌هاست و مسائل و مشکلات دیگر و ریزه کاری‌های فراوانی نیز وجود دارد؛ ارتباطات گوناگون استاد و دانشجو، مدیر و دانشجو، گروه‌های گوناگون دانشجویی، تعارض بین دانشجوی بی‌دین و دانشجویی بادی، حتی تعارض بین خود دیندارها و انواع و اقسام مشکلات دیگری که وجود دارد.^۱

۵. دانشجوی باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه نماید
ما می‌خواهیم جوان ما احساس کند که باید فکر کند و باید این فکر را مطرح و آن را مطالبه کند. نمی‌خواهیم کار نمایشی کنیم و نیازی هم به کار نمایشی نداریم؛ اما به این که جوان ما - به خصوص مجموعه دانشجویی که در سطح کشور بسیار گسترده و وسیع است - این احساس را در خودش تقویت کند که

در آینده کشور نقش و مسئولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند، نیاز داریم.^۱

۵.۲. باید روحیه عدالت‌خواهی را در دانشجویان تقویت کنیم
این که ما باید دانشجویان را به سیاست بکشانیم، این «باید» را هم من قبول ندارم؛ اصلاً «باید» ندارد. جوان دانشجوی احساساتی دارد، تحرکی دارد، خودش تمایل به این معنا دارد؛ لزومی ندارد ما «باید» داشته باشیم؛ منتها جوان دانشجوی احساساتش در درجه اول متوجه عدالت‌خواهی است. آنچه بیش از همه چیز دانشجوی را به خود متوجه می‌کند، عدالت‌خواهی است؛ این جهت را در او تقویت و تعحیم کنید.

البته ممکن است به خیلی از مسئولان کشور اعتراض هم داشته باشند؛ اما اعتراض او، اعتراض یک جوان است و هیچ اشکالی هم ندارد. بنده وقتی در مجامع دانشجویی شرکت می‌کنم - شماها یا بوده‌اید و از نزدیک دیده‌اید، یا از تلویزیون مشاهده کرده‌اید - می‌بینید که چندین هزار دانشجو چه ابراز احساساتی می‌کنند. من می‌دانم در همین مجموعه چند هزار نفری، درصد قابل توجهی هستند که به شخص من اعتراض دارند؛ ولی اگر بنا باشد محبت خودم را بین این مجموعه تقسیم کنم، سهم آن‌ها را یک مقاله کمتر نخواهم گذاشت. این‌ها هم جوانانند، این‌ها هم فرزندان و بچه‌های من هستند، این‌ها هم دانشجوی‌های این کشورند. گیرم به مسئله‌ای - به حق یا به ناحق - اعتراض دارند؛ چه اشکال دارد؟ اعتراض داشتن ایرادی ندارد، اما مینا و پایه‌ی کارش باید درست باشد.^۲



۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای تشکله‌ها و نخبگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۸/۱۵.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲/۸/۱۷.

۵۳. آنچه شما دانشجویان باید از مسئولین نظام مطالبه کنید عدالت
رفع فساد است

وقتی شما سؤال می‌کنید و پاسخ می‌خواهید، باید سؤالی بکنید که پاسخ
از سوی هر کسی - قابل تشخیص و ارزیابی کمی باشد؛ و الاین که
بگوید «آیا می‌دانید که از قبل بیکاری چه مشکلاتی پیش می‌آید؟»، جو
این است که بله، می‌دانیم. «چه کار می‌کنید؟» همین کارهایی که می‌بینید
می‌کنیم. اینطور طرح پرسش، چیزی عاید نخواهد کرد. یا از قوه قضائیه بپرس
«شما برای رفع این ویرانه در پنج سال گذشته چه کار کردید؟» آن‌ها چند ص
به شما آمار خواهند داد که این کارها را کرده‌ایم. پاسخگویی مقوله به
حساسی است. چیزی که شما باید به آن اهتمام داشته باشید، خواست ا
خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است. این خواست‌ها باید وجود
باشد. در کنار این خواست‌ها، اینطور هم نباشد که همه کارهایی را که مس
کرده‌اند، انسان زیر سؤال برد و مورد تردید قرار دهد؛ نه، واقعاً در ه
زمینه‌هایی که شما مطرح کردید، کارهای خوب و زیادی صورت گرفته؛
اداره کشور در مقطع امروز کار بسیار مشکلی است.
می‌دانید امروز ما در یک چالش عظیم قرار داریم با مراکز قدرتی که
آن‌ها این است که اگر این نظام کارآمدی خود را به‌طور کامل اثبات کند، ع
برای آن‌ها تنگ خواهد شد؛ کما این که همین الان هم آن‌ها می‌بینند در م
نظام جمهوری اسلامی کم‌کاری کرده‌اند که نظام ما توانسته به پیشرفت‌های
دوستان اشاره کردند، نایل آید. البته به شما عرض بکنم؛ پیشرفت‌ها
بخش‌های مختلف، بیش از این‌هاست.

گفتنان عدالت، یک گفتنان اساسی است و همه چیز ما است. منهای
جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باش
این گفتنان را باید همه گیر کنید؛ به گونه‌ای که هر جراتی، هر شخصی، هر حز
هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتنان شود؛

برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما
باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است.

اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه‌وار و
معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیاناً کوفت‌هایی هم شده؛ اما
باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه قهوری نحوه بیان این باشد که بعد از چندی
انسان احساس کند که به کل مجموعه به شدت معترض است؛ نه، شما برای
موقیبت کل مجموعه دارید تلاش می‌کنید؛ اصلاً همه تلاشتان این است که نظام
رأی‌ش ببرید. هر چه می‌توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخش‌هایی که خلأ
وجود دارد، هر چه می‌توانید، کمک کنید تا خلأ برطرف شود.

هر چه می‌توانید، شمار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است،
تقویت و همگانی و در ذهن‌ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه فکری آن کار
کنید - این‌ها لازم است - اما کاری نکنید که مخالفان شما این تردید را دامن بزنند
که آیا نظام اسلامی می‌تواند؟ آیا نظام اسلامی توانسته؟ البته که می‌تواند؛ البته که
توانسته! مدعی دستگاه‌های مختلف از لحاظ کارآمدی، خود بنده هستم. من دائماً
نسبت به کارآمدی، از این‌ها سؤال و مطالبه می‌کنم؛ اما بنده اعتقاد این است که
نظام اسلامی از همه دولت‌هایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار
در کشور ما وجود داشته، قوی‌تر عمل کرده است.

بدون تردید نظام جمهوری اسلامی در همه بخش‌ها قوی عمل کرده است.
عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته‌اند؛ پشتوانه مردمی هم به آن‌ها
کمک کرده است. در بخش‌هایی ما با قدرت وارد میدان شده‌ایم که فکرش را
نمی‌توانستیم بکنیم. در همه بخش‌ها اینطور است. الان جای توضیح و بیان
آمار نیست. البته اقتضای این دوره از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار
بیشتر، انقلابی‌تر، مؤمنانه‌تر و همه امکانات رأی‌ش از این به میدان آوردن است؛
این را قبول داریم. البته کم‌کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد؛ بین
این‌ها باید تفکیک قائل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد.



یک نشانه کارآیی نظام، وجود شماست. جوان دانشجوی مؤمن و معتقد نظام می‌تواند حرف و انگیزه خودش را قوی در فضای جامعه مطرح کند حرف شما فردا در تمام فضای جامعه منتشر می‌شود این نکته خیلی مهم است؛ این خودش کارآمدی این نظام است. کارآمدی نظام غیر از کارآمدی او دستگاه یا آن دستگاه است؛ نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام مجموعه عملکرد مثبت و منفی‌ای است که دستگاه‌های نظام دارند؛ اما این برآیند مثبت است.^۱

۵۴. دانشجویان و انگیزه‌های نامبارک دشمنان

مجموعه جوان دانشجوی، یک نیروی بالفعل و بالقوه است. خواست شد کار شما، ایمان و اعتقاد شما، در وضع حال و آینده کشور، دارای اثر است. یقیناً کسانی هستند که انگیزه‌های نامبارکی در آن‌ها وجود دارد چه دشمنان صریح این ملت، چه کسانی که در دشمنی خیلی صراحت ندارند، اما دشمنان و مایل‌اند دانشجویان به بی‌عملی و انفعال بیفتند؛ مثل پُر کاهی در مسیر جریانات زندگی؛ هر جایی او را می‌برند، ببرند.

کار دیگری که ممکن است بکنند، این است که اگر در دانشجویان انگیزه برای کار و تلاش و اقدام وجود دارد، از آن برای مبارزه با نیروی اصلی مقاومت اسلامی که امروز سایه‌اش نه فقط بر ایران، بلکه بر کل دنیای اسلام گسترده استفاده کنند؛ یعنی از نیروی جوان و فهمیده و آگاه دانشجوی، درست در عکس جهتی که عقل و دین و فهم موقعیت سیاسی اقتضا می‌کند، استفاده کنند. آن دشمنان نتوانستند دانشجویان را در جهت خودخواسته به راه بیندازند، یقیناً کار تلاش و تبلیغی می‌کنند تا شاید بتوانند دانشجویان را به انفعال و بی‌عملی بیندازند شما در مقابل هر دو انگیزه باید مقاومت و ایستادگی کنید.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای جامعه اسلامی دانشجویان، ۱۳۸۱/۶/۱۶.

۵۵. تلاش کنید کشورتان را از همه جهت مستقل کنید

امروز وظیفه شماست که تلاش کنید و هدف این تلاش هم عبارت است از عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی. کشورتان را از همه جهت مستقل کنید. البته مستقل بودن به معنای این نیست که در استفاده از خارج از مرزها را ببندیم. این که معقول نیست؛ هیچ‌کسی هم به این کار دعوت نمی‌کند. در طول تاریخ، افراد بشر از همه استفاده کرده‌اند؛ اما فرق است بین تبادل فکر و اندیشه و دارایی‌ها میان دو موجود همسان و هموزن و همقدرد، و در بزرگی یک موجود از موجود دیگر از راه التماس و اعطای به او همراه با تحقیر. این، آن چیزی است که کم و بیش تا قبل از انقلاب بوده است.

بایستی کشور را به آن پایه‌ای که لازم است، برسانید. این، مسئولیت عظیم نسلی جوان‌روشنفکر تحصیلکرده این کشور است.^۱

۵۶. عقب ماندگی‌های کشور، نتیجه بی‌اعتقاد کردن قشر تحصیل کرده

به فرهنگ دانش خودی است امروز آن دورانی است که باید با ابزار دانش و معرفت و تلاش علمی، کاری کنیم که عقب‌افتادگی‌های تحمیلی دوران طولانی سلطه استبداد در این کشور، جبران شود؛ آن دورانی که نگذاشتند استعدادها شکوفا گردد؛ نگذاشتند هویت اصلی و حقیقی این ملت، خود را نشان دهد؛ به تبع ورود کالاهای صنعتی - که نتیجه پیشرفت علم و صنعت غرب بود - در همه چیز، آن را به غرب وابسته کردند؛ کالاهای فکری و فرهنگی را وارد این کشور کردند و به اولین کاری که دست زدند، بی‌اعتقاد کردن قشر تحصیلکرده این کشور به موجودی خودی بود؛ به فرهنگ خودی، به رسوم و آداب خودی، به دانش خودی، به استعداد شکوفا و درخشانی که در نسل ایرانی وجود داشت. این بی‌اعتقادی، در طول سال‌های متمادی، اثر خودش را بخشید.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲.



از روزی که این فکر - فکر تحقیر ایرانی - وارد این کشور گردید و موجب شد که این احساس حقارت تا اعماق جان فشرهای برگزیده این کشور نفوذ کند، تا وقتی که غرب محصور این حالت را چید، البته سال‌ها طول کشید؛ ولی بالاخره آن‌ها موفق شدند و نتیجه آن، همین عقب‌افتادگی مایی است که شما در کشورمان مشاهده می‌کنید. باین همه منابع انسانی، باین همه منابع مادی، باین موقعیت جغرافیایی ممتازی که ما داریم، با آن سابقه درخشان علمی و فرهنگی و میراث عظیم گنجینه علمی که ما داریم، وضع ما امروز از آنچه که باید در میدان علم و صنعت و پیشرفت‌های گوناگون علمی باشد، بسی عقب‌تر است.^۱

۵۷. دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشد، تا فریب نخورد
دانشجو‌ها بایستی سیاسی بشوند؛ یعنی فهم سیاسی پیدا کنند. فهم سیاسی غیر از سیاسی‌کاری و سیاست‌بازی است، غیر از دستخوش جریان‌های سیاسی شدن است. اتفاقاً فهم سیاسی موجب می‌شود که آدم، دستخوش جریان‌های سیاسی نشود. من این را می‌خواهم. من می‌خواهم که وقتی دانشجوی نگاه می‌کند آن کسی که آمده است و دارد برایش حرف می‌زند و شمار می‌دهد و فریاد صدا می‌رود، بفهمد که او کیست و چه کاره است؛ از حرف‌های او حقیقت او را در کند و از کار او منشا و هدف او را به دست بیاورد. من این را می‌خواهم؛ دنبال این هستم.

اگر سیاسی نباشید، نمی‌توانید؛ باید سیاسی باشید. من باز هم همیشه روی این حرفم تکیه می‌کنم که دانشگاه، باید سیاسی باشد، تا دانشجوی فریب نخورد و وسیله‌ای برای کسانی نشود که می‌خواهند سر به تن نظام اسلامی و جمهور اسلامی و هیچ کس دیگر نباشد! فقط دنبال قدرت‌اند، هر طور می‌خواهد بشود.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تبریز، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

به قول معروف برای یک دستمال، حاضرند قیصریه را آتش بزنند!^۱

۵۸. دانشجویی که تحلیل سیاسی نداشته باشد، مرد زمان خودش نیست!

دانشجویی که اصلاً نفهمد در دنیا چه می‌گذرد، این دانشجوی دانشجویی زمان خودش نیست، مرد زمان خودش نیست. دانشجوی باید احساس سیاسی، درک سیاسی و تحلیل سیاسی داشته باشد. بنده در قضایای تاریخ اسلام، این مطلب را مکرراً گفته‌ام؛ آن چیزی که امام حسن مجتبی را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود، مردم تحلیل سیاسی نداشتند. آن چیز که فتنة خوراج را به وجود آورد و امیرالمؤمنین را آن‌جور زیر فشار قرار داد و قدرتمندترین آدم تاریخ را آن‌گونه مظلوم کرد و علی مظلوم شد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود؛ و الا مردم که همه بی‌دین نبودند، تحلیل سیاسی نداشتند. دشمن شایعه‌ای می‌انداخت، فوراً این شایعه همه‌جا پخش می‌شد، همه قبول می‌کردند! چرا باید این جور باشد؟!^۲

۵۹. سیاسی بودن دانشجوی یعنی:
سیاسی بودن یعنی دانشجوی از آنچه که در جهان و در کشور خودش می‌گذرد، آگاه باشید، بیش داشته باشد. اگر این نشد ممکن است فردی به حدّ اعلامی علم هم برسد، خیلی هم متدین باشد، اما دشمن او را به قیمت بسیار ارزانی بخرد او را زیر بال خودش بگیرد.

در دوران رژیم طاغوت، اساتیدی داشتیم متخصص، متدین و خوب. اما چون فهم سیاسی نداشتند، به راحتی در اختیار هدف‌های آن رژیم قرار می‌گرفتند، بدون

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و مسئولین دانشگاه تبریز، ۱۳۷۸/۶/۲۷.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۲/۸/۱۲.

آنکه خودشان بدانند. دانشجویان را هم به سمتی می‌کشاندند که آن رژیم می‌خواست. کسانی داشتیم که عالم و متدین بودند؛ ولی نداشتن فهم و آگاهی شعور سیاسی، موجب شد که جزو یکی از مهره‌های همان رژیم فاسد و ضد دین بشوند. پس، دانشجوی بایستی آگاهی و فهم و درک سیاسی داشته باشد، مباحث سیاسی را بداند؛ آنچه در جهان می‌گذرد، بداند.

امروز جمهوری اسلامی، از یک دولت مردمی صدرصد وابسته به مردم خودش برخوردار است. خوب، این دولت چه کاری می‌کند؟ در مسائل سیاسی دنیا، کجای کار است؟ هدف‌های چیست، اقداماتش کدام است؟ چرا در فلان جهت حرکت می‌کند؟ چرا در فلان جهت دیگر، حرکت نمی‌کند؟ باید این‌ها بدانید.^۱

۶. یک ویژگی مثبت و یک ویژگی منفی محیط دانشجویی

گاهی در یک جامعه، جزو یک جهت خیلی سنگین می‌شود؛ فرق هم نمی‌کند؛ هر انحرافی فضای تنفس فکری یک جامعه را مسموم و آلوده می‌کند. هر گونه انحرافی باشد؛ انحراف سیاسی همین طور است؛ انحراف اخلاقی، شهوانی، یا گرایش به مادیات هم همین طور است. فرض بفرمایید در یک جامعه، غفلت همه اعضای جامعه را گرفته است... در یک چنین فضایی که غفلت، مهم‌ترین بلیه مردم آن کشور است، ناگهان یک حرکت، یک فریاد، یا یک جهت‌گیری دانشجویی، به کلی فضا را عوض می‌کند... حال آن محیط دانشجویی که این خصوصیت مثبت و مهم را دارد، یکی دو تا خصوصیت منفی هم دارد که باید به آن‌ها هم کاملاً توجه داشته باشید. یکی این است که چون محیط دانشجویی، محیط احساسات است - جوان احساساتی است - همیشه یک عده رند ناقلاهی کمین گرفته، مایل‌اند که اگر بتوانند، برای کارهای مختلف

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشگاهیان و فرهنگیان استان کهگیلویه و بویر احمد ۱۳۷۲/۲/۱۸.

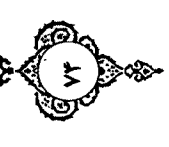
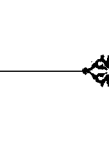
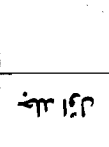
از این مجموعه حساس آماده به تحرک استفاده‌ای نکنند... حساس و قابل اشتعال و زود پذیر بودن و نرم و لطیف بودن روح و دل جوان، مثل یک شمشیر دولب است. هم تفکرات صحیح می‌توانند این فرصت را مورد بهره برداری قرار بدهند؛ وارد دانشگاه بشوند و آن را به یک بهشت برین تبدیل کنند؛ هم تفکرات و روش‌های غلط می‌توانند وارد دانشگاه بشوند. این یک نقطه ضعف است. یعنی نقطه‌ای است که باید در معاشرت و در برخورد دانشجویی به آن توجه داشت. دانشجوی جوان و آزاد فکر است. به طور طبیعی حساس و احساساتی است. ممکن است تحت تأثیر هر حرف پر هیجان، یا حرف خوش ظاهری قرار گیرد. باید به این توجه داشته باشید. این یک نقطه ضعف است. البته عمده هم همین است؛ نمی‌خواهم تقاطع ضعف را ردیف بکنم. فعلاً در محیط دانشجویی، این یک نقطه قابل توجه است.^۱

۶.۱ بیداری دانشجویی (جنبش دانشجویی) مقوله‌ای است صدرصد

دانشجویی

حرکت دانشجویی، یا جنبش دانشجویی یا به تعبیر بهتر و رساتری که می‌توان برایش انتخاب کرد: بیداری دانشجویی و احساس مسئولیت دانشجویی، مقوله بسیار مهمی است؛ صدرصد هم دانشجویی است. چرا می‌گوییم صدرصد دانشجویی است؟ چون بسیاری از احساسات، درخواست‌ها و انگیزه‌ها ممکن است در قشر دانشجو وجود داشته باشد، اما به خصوصیت دانشجویی او ارتباط مستقیمی نداشته باشد؛ مثل دغدغه شغل. شاید دانشجویی وجود نداشته باشد که دغدغه شغل و آینده نداشته باشد؛ لیکن این به حیثیت دانشجویی دانشجو ربطی ندارد؛ این مربوط به هر جوانی است؛ دانشجو هم نباشد، این دغدغه را دارد. یا مثلاً دغدغه ازدواج و تشکیل خانواده، که البته از این مورد، حضار بیشتر هم خوششان می‌آید! هر دانشجویی چه دختر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵.



و چه پسر این دغدغه را دارد؛ این مطالبه و میل را دارد؛ چون مسئله اساسی زندگی است؛ اما این لازم ذاتی دانشجو نیست؛ این لازم انسان بودن و جوان بودن اوست؛ دانشجو هم که نباشد، این احساس را دارد.

اما آن چیزی که من اسمش را «بیداری دانشجویی» می‌گذارم و امروز در بین دانشجویان و غیر دانشجویان معمول است و به آن «جنبش دانشجویی» می‌گویند، مخصوص قشر دانشجو به حیث دانشجو است؛ یعنی متعلق به همان جوانان نیست؛ متعلق به همین جوان قبل از محیط دانشجویی هم نیست؛ متعلق به این جوان بعد از دوره دانشجویی هم نیست؛ این متعلق به محیط دانشگاه است؛ متعلق به همین چهار سال، پنج سال، شش سال است؛ همین مدتی که شما در دانشگاه درنگ دارید؛ این حقیقتی است که وجود دارد.

جنبش دانشجویی - یا به همان تعبیر درست‌تر، بیداری دانشجویی - چیز جدیدی نیست؛ یک چیز مخصوص ایران هم نیست؛ چون همان طوری که گفتیم، متعلق به محیط دانشگاه است.

این بیداری، خصوصیات خاصی دارد؛ انگیزه‌هایی در آن هست و نتایجی بر آن مترتب می‌شود. اگر این خصوصیات، درست شناسایی شود می‌تواند به عنوان یک منبع غنی و سرشار و فیاض برای کشور و آن محیط [دانشگاه] و جامعه به کار گرفته بشود؛ اما اگر درست شناسایی نشود، ممکن است تضعیف بشود؛ مثل ثروتی که شما از وجود آن و یا از کاربرد آن اطلاع ندارید.

بدتر از این، آن صورتی است که شما که صاحبش هستید، اطلاع ندارید؛ اما یک درد و یک دغل اطلاع دارد که زیر این مخفی‌گاه، این گنج هست؛ کاربردهای هم این است؛ لذا او می‌آید و استفاده می‌کند؛ این دیگر می‌شود خسارت فوق خسارت؛ یکی از فرایض اولیهٔ اولاً خود دانشجو، ثانیاً مجموعه مدیران دانشجویان و دانشگاه‌ها، و ثالثاً مجموعه مدیران کشور، شناسایی این پدیده ذاتاً دانشجویی است؛ یعنی بیداری دانشجویی، یا جنبش دانشجویی، یا حرکت

دانشجویی؛ به هر اسمی آن را بنامید، حقیقتش را می‌شناسیم که چیست.^۱

۶۲. علل و منشأ بیداری (جنبش) دانشجویی

منشأ چنین پدیده‌ای، خصوصیات خاصی است که در دانشگاه و در مجموعه دانشجویان هست. سن و انرژی و توان و نیروی جوانی، معارف و دانش‌هایی که دانشجو در این دوره با آن‌ها آشنا می‌شود - چه معارف علمی، چه معارف سیاسی، چه معارف اجتماعی - فراغت دانشجویی که گرفتار زندگی و نان و دربند گرفتاری‌ها و بارهای زندگی نیست و یک آزادی نسبی دارد و در جایی مسئولیتی ندارد، مجتمع بودن دانشجویان در یک محیط خاص، تأثیر گرفتن از امواج عمومی جامعه و بازتاب آن‌ها را نشان دادن - چه مثبت و چه منفی - از عوامل این پدیده بسیار مهم و در عین حال بسیار مبارک است که در صورتی که از آن استفاده نشود و یا بد استفاده بشود، بسیار خطرناک هم خواهد بود.^۲

۶۳. خصوصیات بیداری (جنبش) دانشجویی

در حرکت دانشجویی یا بیداری دانشجویی، خصوصیات خاصی هست که تقریباً می‌شود گفت در اغلب جاها یکسان است - با تفاوت فرهنگ‌ها و تاریخ‌ها و زیرزمینه‌های هر کشوری و هر ملتی و هر مجموعه انسانی - لیکن مشترکاتی بالاخره در همه جا هست آن چیزی که من در مورد کشور خودمان می‌توانم به عنوان ویژگی‌های حرکت دانشجویی از قبل از انقلاب تا اوان انقلاب و از این جا به بعد عرض بکنیم، این خصوصیات است که ذکر می‌کنم.

خصوصیت اول، آرمان‌گرایی در مقابل مصلحت‌گرایی است؛ عشق به آرمان‌ها و مجذوب آرمان‌ها شدن. انسان وقتی که در محیط تلاش و کار معمولی زندگی قرار می‌گیرد، گاهی موانع جلوی چشم او را می‌گیرد؛ آرمان‌ها را دور

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸/۸/۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸/۸/۱.

دست و غیر قابل دستیابی به انسان نشان می‌دهد؛ و این خطر بزرگی است. گاهی آرمان‌ها فراموش می‌شوند. در محیط جوان، آرمان‌ها محسوس، ملموس زنده، قابل دسترسی و دستیابی است؛ لذا برای آن‌ها تلاش می‌شود؛ خود این تلاش، تلاش مبارکی می‌شود.

خصوصیت دوم، صدق و صفا و خلوص است. در حرکت دانشجویی، کلک، تقلب، حیله و شیوه‌های غیرانسانی‌یی که معمولاً در محیط‌های زندگی رایج به کار می‌رود، در این جا کمرنگ است و یا به‌طور طبیعی نیست. در محیط معمولی زندگی، در محیط سیاست، در محیط تجارت، در محیط بده‌بستان‌های اجتماعی، هر کسی هر حرفی که می‌زند، مواظب است ببیند از این حرف چه گیرش می‌آید و چه از دست می‌دهد؛ حالا بسته به این است که چه قدر پشتم‌انداز و چه قدر عاقل باشد یا در نقطه‌ی مقابلش قرار گرفته باشد تا چیزی از دست بدهد، یا چیزی به دست بیاورد؛ اما در محیط حرکت دانشجویی، نه؛ حرف را برای خوب بودنش، برای درست بودنش، برای جاذبه داشتنش برای خود و برای حقیقت بیان می‌کند و دنبال و تعقیب می‌کند. نمی‌خواهم تعمیم بدهم و بگویم که هر نفر از آحاد دانشجوی، هر تک تکی از این حرف‌هایی که می‌زند، اینطور است؛ نه، اما این رنگ غالب است.

خصوصیت سوم، آزادی و رهایی از وابستگی‌های گوناگون حزبی و سیاسی و نژادی و امثال این‌هاست. در این مجموعه حرکت دانشجویی، انسان می‌تواند این خصوصیت را مشاهده کند؛ که این هم یک شعبه از همان مصلحت‌گرایی است. غالباً در این جا از تقلیدی که معمولاً مجموعه‌های گوناگون سیاسی و غیر سیاسی برای افراد خودشان فراهم می‌کنند، خبری نیست؛ جوان حوصله این قید و بندها را ندارد؛ لذا در گذشته پیش از انقلاب، احزابی بودند و کارهایی می‌کردند؛ اما به دانشگاه که می‌رسیدند، ضابطه از دستشان در می‌رفت؛ ممکن بود چهار نفر عضو هم پارکیری بکنند، اما نمی‌توانستند انضباط‌های مورد نظر خودشان را انضباط‌های حزبی خیلی شدید که در احزاب دنیا معمول بود و

هست در محیط دانشجویی به درستی اعمال کنند؛ زیرا دانشجوی بالاخره در جایی به اجتهاد می‌رسد. آن زمان‌ها حزب توده، حزب فعالی بود؛ تشکیلات خیلی وسیعی هم داشت؛ با شوروی‌ها هم مرتبط بود؛ اصلاً برای آن‌ها کار می‌کرد؛ اما به دانشگاه که می‌رسید، مجبور بود بسیاری از حقایق حزبی را از چشم دانشجو پنهان کند!

چهارمین خصوصیت این حرکت، مبتنی بر اشخاص نبودن است؛ یعنی این حرکت در دانشگاه صنعتی شریف هست، امروز هم هست، ده سال پیش هم بود، ده سال بعد هم هست؛ اما نه ده سال پیش شما بودید، نه ده سال بعد شما این‌جا هستید؛ اما این حرکت هست، ولی مبتنی بر اشخاص نیست؛ متعلق به فضا و مجموعه حاضر است.

پنجمین خصوصیت بسیار مهمش این است که در مقابل مظاهری که از نظر فطرت انسانی زشت است مثل ظلم، زورگویی، تبعیض، بی‌عدالتی، تقلب، دورویی و نفاق حساسیت منفی دارد و آن را دفع می‌کند. یک وقت در اول انقلاب، همین گروه منافقین، با استفاده از فرصت انقلاب توانستند در میان جوانان و دانشجویان نفوذی پیدا کنند؛ اما وقتی معلوم شد که این‌ها منافقند، غالباً روی برگرداندند. چرا به آن‌ها منافق می‌گفتند؟ چون ادعایشان این بود که براساس ایدئولوژی دین تشکیلات دارند، تلاش می‌کنند و آینده معین می‌کنند؛ اما در عمل معلوم می‌شد که نه از ایدئولوژی دین هیچ خبری نیست؛ تفکرات، تفکرات النفاطی مارکسیستی است؛ آن هم نه مارکسیستی یک دست؛ النفاطی، مخلوط و آشفتن؛ و در عمل خارجی و فعالیت و مبارزات هم آن چیزی که حاکم بر بیشترین فعالیت‌های آن‌هاست، قدرت طلبی است؛ تلاش برای این است که به قدرت دست پیدا کنند؛ قدرتی که در پدید آمدنش نقش زیادی نداشتند؛ بلکه به‌عنوان یک مجموعه اصلاً نقش نداشتند؛ هر چند ممکن بود افرادی از آن‌ها هم در خلال ملت داشته باشند. لذا چون نفاق آن‌ها معلوم شد معلوم شد که ظاهرشان با باطنشان؛ حرفشان با دلشان؛ ادعایشان با آنچه که حقیقتاً آن را دنبال



می‌کنند، یکی نیست مجموعه جوان دانشجویی از این‌ها اعراض کرد و برگراند.

ششمین خصوصیت این حرکت دانشجویی و این پدیده ذاتی دانشگاه‌ها این است که بر این حرکت، فقط احساسات حکومت نمی‌کند؛ ضمن این که احساسات هست، منطق و تفکر و پیش و تحصیل و میل به فهمیدن دقیق هم در آن وجود دارد؛ البته شدت و ضعف دارد؛ گاهی کم و گاهی زیاد برترسید.

۴۲ آفات جنبش دانشجویی

البته جنبش دانشجویی آفاتی هم دارد؛ باید حقیقتاً از این آفات پرهیز کنیم. یکی از آفات حرکت دانشجویی این است که عناصر و مجموعه‌های نابالغ آن طمع بورزند و بخواهند از آن سوءاستفاده کنند... این‌ها وقتی ببینند که می‌توانند هست و بالآخره دانشجوی و نسل جوان در کشور حرف می‌زند و تعیین کنند است، این‌ها هم بنا می‌کنند اول سینه‌خیز، بعد یواش یواش نیم خیز، بعد یواش یواش با گردن افراشته می‌آیند که بله، ما هم هستیم! اگر مجموعه‌ها سیاسی قدرت طلب بدنیت بددل بدسابقه، طرف حرکت دانشجویی آمدند خودشان را به آن چسباندند و بر آن دست گذاشتند، این می‌شود آفت ...

یکی دیگر از آفات جنبش دانشجویی همان‌طور که گفتم دور شدن آرمان‌هاست. عزیزان من! ببینید؛ سال‌ها قبل از انقلاب، یک واقعه جنایت‌آمیز در روز شانزده آذر اتفاق افتاد. از اول انقلاب، می‌شد کاری بکنند که شانزده آذر اصلاً فراموش بشود؛ چون این قدر ما حوادث داشتیم؛ اما نه، مسئولان کشور علاقه‌مندان به مسائل کشور، مایل‌اند خاطره این روز زنده بماند. چرا؟ چون آن روز به خاطر سخن حقی، اتفاقی در دانشگاه افتاد که بعدها جنبه دژخیمان به‌خاطر همان هدفی که جوانان داشتند و هدف والایی هم بود با آن‌ها مقابل

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸/۹/۸.

کردند و به کشته شدن سه نفر انجامید. مسئله آن روز چه بود؟ ضدیت با آمریکا. حالا چه موقوع؟ آن وقتی که سیاست آمریکا و دولت آمریکا و رژیم آمریکا و عناصر اطلاعاتی و نظامی آمریکا، در تمام شئون این کشور حاکم بودند. در این کشور، چه آشکار و چه پنهان، همه چیز در دست آمریکایی‌ها بود؛ و امروز که شما می‌بینید آمریکایی‌ها از این که ایران اسلامی به طرفشان نمی‌رود، زنجیر می‌چونند. به یاد آن روز است؛ چون این، جایی بود که این‌ها می‌ایستادند و از این جا به همه منطقه کشورهای عربی و ترکیه و... فخر و آقایی می‌فروختند و اعمال نفوذ می‌کردند؛ چون این‌جا را مال خودشان می‌دانستند؛ کشورهای معروف بزرگی هستند که از این که ملتی این‌جا وجود دارد که با همه قدرت در مقابل افزون طلبی آمریکایی‌ها به صراحت حرف می‌زنند، آن‌ها احساس هیجان می‌کنند و خودشان‌اندا در چنین شرایطی، حالا یک عده بیابند به عنوان دانشجوی، نقطه مقابل حرکت شانزده آذر را علم بکنند؛ یعنی گرایش به آمریکا تحت عناوین بسیار بوج و سست و غیرمنطقی و غیرمستدل؛ این پشت کردن به جنبش دانشجویی است؛ این اصلاً جنبش دانشجویی نیست؛ این به کلی یک چیز دیگر است؛ عکس آن است.

باید از این مسئله حمایت کند. عدالت اجتماعی، آن چیزی است که حتی کسانی که اصرار داشتند شمار عدالت اجتماعی را به دلایل سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون کم‌رنگ کنند، بالاخره نتوانستند؛ مجبور شدند عدالت اجتماعی را مطرح کنند. در دنیا، غیر از مستکبران و زورگویان و چپ‌اولگران عالم، هیچ انسانی نیست که از عدالت اجتماعی و از این شعار پشت کند. این شعار در کشور مطرح می‌شود؛ چه کسی باید از این شعار حمایت کند؟ چه کسی باید بیشتر از همه درباره آن فکر کند؟ چه کسی باید برای آن کار کند و درباره راه‌های تأمین آن تحقیق و بحث کند و میزگرد بگذارد؟ غیر دانشجویان؟ باید





آینده انسان حقیقتاً به باد می‌رود و انسان دچار حسرت می‌شود.^۱

۶۵ دانشجویان المپادی و برجسته علمی، ثروت‌های ملی کشوراند
 من دو نکته را به [دانشجویان المپادی و دانشجویان برجسته علمی] بگویم: نکته اول این است که دولت و مسئولان باید قدر این‌ها را بدانند و برایشان امکانات فراهم کنند. برجسته‌های ذهنی و فکری، فقط هم آن‌ها نیستند؛ در میان دانشجویان و اساتید جوان و غیر جوان زیادی داریم که این‌گونه‌اند که در امتحان‌ها و تجربه‌ها و مسابقه‌های گوناگون، این برجستگی کاملاً آشکار شده است. دولت باید قدر این‌ها را بداند و وسائل را برای پیشرفت علمی این‌ها فراهم کند تا نیازی احساس نکنند که از محیط خودشان دور بشوند.

نکته دوم این است که خود آن‌ها این ضریب هوشی و حافظه و استعدادشان را ملی بدانند؛ این‌ها ثروت‌های ملی است؛ ثروت‌های شخصی که نیست؛ از آن برای کشور و ملت و خانواده‌شان استفاده کنند؛ این‌ها امانت و سرمایه‌های خداداد است؛ ملک خصوصی نیست. بگویند دولت به ما نرسید؛ اگر هم دولت نرسیده باشد، این عذر نمی‌شود.^۲

۶۶ خروج از کشور برای ادامه تحصیل را با این شرایط قبول دارم

سؤال: مسئله‌ای که این روزها زیاد مطرح می‌شود، ولی عملاً مخاطبان واقعی کمتر به آن توجه می‌کنند، فرار مغزهاست. من نمی‌دانم چه طور می‌توان از مهاجرت جوئان بالاستعدادی که با این همه زحمت و تلاش تحصیل کرده‌اند، جلوگیری کرد. برای نمونه، من خودم در یکی از دانشگاه‌های پیشرو

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۸/۹/۸.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.



توجه داشت که این حرکت دانشجویی و بیداری دانشجویی، مطلقاً به سمت عکس جهت‌نا نرود. پس، یکی از آفات این جنبش، پشت کردن به آرمان‌ها، فراموش کردن آرمان‌ها و از یاد بردن آرمان‌هاست....

یکی دیگر از آفات مهم جنبش دانشجویی، سطحی شدن است. عزیزان من! از سطحی اندیشی به شدت پرهیز کنید. خصوصیت دانشجوی، تعمق و تدقیق است. هر حرفی را که می‌شنوید، رویش فکر و دقت کنید. چرا در اسلام هست که «فکر ساعه خیر من عباده سهین سنه»؛ یک ساعت فکر کردن، ارزشش از عبادت سال‌ها بیشتر است؛ برای خاطر این که اگر شما فکر کردید، عبادتتان هم معنا پیدا می‌کند؛ تلاش سازندگان هم معنا پیدا می‌کند؛ مبارزه‌تان هم معنا پیدا می‌کند؛ دوستان را می‌شناسید، دشمنان را هم می‌شناسید... باید فکر کرد. با فکر، انتخاب، انتخاب درستی خواهد بود. اگر در انتخاب اشتباه هم بکنند، چنانچه انسان اهل فکر باشد، با او راحت‌تر می‌شود حرف زد.

آن آدمی که اهل فکر نیست، هرگونه انتخابی بکند، اگر اندک خطایی در آن باشد، نمی‌شود با او حرف زد و منطقی صحبت کرد؛ تسلیم تعصب‌ها و ندانستن‌ها و جهالت‌های خودش است؛ اما وقتی اهل فکر و دقت بود، اگر خطایی هم اتفاق افتاده باشد، یک نفر آدم خیرخواه می‌تواند با او حرف بزند و بگوید به این دلیل، این کار خطاست. نباید سطحی بود. به هر شعاری، به هر حرف گرمی، به هر دهان گرمی، به هر نقلی، نمی‌شود اعتماد کرد؛ باید فکر کرد. اساس قضایا فکر است. آن چیزی که انتظار عمده از انسان‌های فرزانه و هوشمند است، این است.

یکی دیگر از آفات، به دام احزاب و گروه‌ها افتادن است؛ که این را قبلاً هم مواظب باشید؛ اختاپوس خطرناک احزاب و گروه‌های مختلف به سراغتان نیاید و شما را به دام نیندازد. از آن مجموعه آزاداندیش، اغلب خصوصیات مثبت را خواهند گرفت؛ که اگر این شد، آن وقت انسان در خدمت دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد و چیز خطرناکی می‌شود و زندگی و سرمایه و



یعنی دانشگاه امیرکبیر و در سطح فوق لیسانس یکی از رشته‌های سنگین تحصیل کرده‌ام؛ اما با این همه تلاش علمی، هیچ کار مناسبی پیدا نمی‌کنم. مشکل فقط در نبود پارتی نیست؛ بلکه اصولاً کار مناسبی وجود ندارد. غالب شرکت‌ها و کارخانه‌ها به یک سری تکنولوژی‌های قدیمی بسنده کرده‌اند و مسئولان امر که باید مدیریت کنند، مشغول باندبازی و قدرت طلبی هستند... ما برای چه کسانی همت و تلاش کنیم؟... به نظر می‌رسد با استناد به آیات متعددی که در قرآن برای هجرت آمده، وظیفه ما برای سالم ماندن، رفتن است! **جواب:** این که گفته بشود برای سالم ماندن، ناچاریم برویم؛ نخیر، بنده، این را قبول ندارم. سالم ماندن یعنی چه؟ شما خیال کرده‌اید که در خارج از کشور به مهاجران کشورهای دیگر چندان بهایی داده می‌شود؟ شما فکر می‌کنید در هر کشوری از این کشورها، ارزش و شخصیت و شرف شما را به عنوان یک جوان ایرانی رعایت خواهند کرد؟ شما پای صحبت‌ها و درد دل‌های کسانی که رفته‌اند، بنشینید تا ببینید چه می‌گویند.

انسان در خانه خودش بماند، برای خانواده خودش مفید باشد، سخت تلاش کند، همه همت خودش را به کار بگیرد، یک مقدار هم زندگیش پایین‌تر باشد، این برای یک انسان باوجدان به مراتب خرسندکننده‌تر و شادمان‌کننده‌تر است تا این که به یک کشور دیگر برود و به میهن و خانه خودش و به خاکی که او را پرورش داده و این استعداد و معلومات را به او داده و به همین دانشگاه امیرکبیری که شما شانه‌تان زیر بار منت آن است، پشت کند و در خانه بیگانه، با منت و با اخم و تخم کار کند، برای این که یک مقدار بیشتر به او پول می‌دهند. این شد هجرت؟! هجرت اسلامی این است؟! نخیر، به هیچ وجه؛ هجرت اسلامی این نیست؛ این «تعرب بعد الهجرة» است؛ این فرار کردن از میدان کار و مسئولیت و وظیفه و رفتن به جایی است که انسان می‌خواهد زندگی شخصی خودش را یک مقدار بهتر کند؛ من به هیچ وجه به این کار معتقد نیستم.

البته من حق را به جوان‌های بااستعداد خودمان می‌دهم؛ این‌ها حق دارند

انتظار داشته باشند و مسئولان باید برای این‌ها کار کنند؛ در این تردیدی نیست؛ اما اگر آن‌ها کو تاهی کرده‌اند، معنایش این نیست که جوان ما هم برای خودش توجیهی درست کند. البته اگر انسان برای افزایش معلومات به خارج از کشور برود و برگردد، یا تحقیقی بکند و برگردد، این فرار نیست و اشکالی ندارد؛ اما این که انسان کوله‌بارش را ببندد و پشت کند و بگوید خدا حافظ، ما رفتیم، نه، این را من قبول ندارم.^۱

۶۷. اگر برای تحصیل به خارج از کشور می‌روید مراقب باشید هویت

ملی و فرهنگی خود را گم نکنید

مجموعه انجمن‌های اسلامی در هر جا مشغول فعالیت‌اند، در واقع این تکلیف را بر دوش خود احساس کرده‌اند که هویت اسلامی خود و آرمان‌های بلندی را که ملت ایران دارد، در وجود خود و دیگر دانشجویان زنده نگهدارند؛ این چیز بسیار مهمی است. بلای بزرگی که بر سر نسل‌هایی از جوانان کشور ما در دوره‌ای و در کشورهای دیگر آمده، این است که آن‌ها برای تحصیل علم به کشورهای دیگر رفته‌اند و چیزی هم یاد گرفته‌اند؛ اما یک چیز مهم‌تر را جا گذاشتند و فراموش کردند و آن، هویت فرهنگی و ملی خودشان بوده است. این‌ها به هر کشوری برگشتند، اگر چه عالم و از لحاظ علمی شاید مفید بودند؛ اما مثل یک بیگانه در کشور خود عمل کردند و نتوانستند به هدف‌های اساسی کشور و ملی خود خدمت لازم را بکنند. بسیاری از تحصیلکرده‌های در کشورهای اروپایی، در دوره‌هایی از کشور ما، عامل وابستگی شدند؛ این به خاطر آن بود که این‌ها هویت خود را گم کردند.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان اتحادیه انجمن‌های اسلامی شرق اروپا، ۱۳۸۱/۵/۱۹.





۶۸ **اینگه نخبگان برای تکمیل معلومتشان به خارج می روند مانعی ندارد، اما...**

مکرر گفته‌ام که نخبگان توجه داشته باشند خود را از ملت طلبکار ندانند. ما به مسئولان مرتب سفارش می‌کنیم به نخبگان رسیدگی کنند؛ این‌ها سرمایه‌ها و تکنجینه‌های کشورند و البته باید به این‌ها رسیدگی شود؛ در این شکی نیست. یک مطلب این است که ما مسئولان باید خود را برای پشتیبانی، حمایت و دفاع از نخبگان مسئول بدانیم؛ اما حرف دیگر این است که ما بگوییم نخبگان خود را از ملت ایران و از کشورشان طلبکار بدانند؛ این دومی مطلقاً قبول نیست. همه ما بدهکاریم. بدهکار به این ملت، بدهکار به این تاریخ، بدهکار به نسل‌های آینده. کسانی که کشور را ترک می‌کنند و به خارج می‌روند، یک وقت می‌روند تا معلوماتشان را تکمیل کنند و برگردند؛ چه اشکالی دارد؟ این اصلاً مانعی ندارد. مثلاً در این‌جا نیازی دارند - کارگاهی، وسیله‌ی کاری، درسی، دانشی، رتبه‌ای، استادی - این نیاز در این‌جا برآورده نمی‌شود؛ در فلان نقطه دنیا برآورده می‌شود؛ بنابراین به آن‌جا می‌روند و استفاده می‌کنند و برمی‌گردند؛ این که مورد تأیید ما است؛ ما از این کار گله‌ای نداریم.

اما کسانی که کشور را رها می‌کنند و به پشت سرشان نگاه نمی‌کنند، این‌ها سودی نمی‌برند. این‌ها خانه خود را که مال خودشان است و همه آن‌ها را محلی و صاحبخانه می‌دانند، رها می‌کنند؛ به نقطه‌ای می‌روند که اجیر شوند! اجیری و مزدوری است؛ مزدوری با پول زیاد، خیلی فرق می‌کند. در خانه خود زندگی کردن، در فضای خانه خود تنفس کردن، خود را صاحبخانه دانستن؛ این کجاست؟ این که یک ایرانی به فلان نقطه دنیا برود - مثلاً به استرالیا یا کانادا یا اروپا - گیرم مرکزی هم پیدا کند که در آن‌جا کار کند و حقوقی هم بگیرد؛ آن حقوق هم ده برابر حقوقی باشد که در ایران خواهد گرفت؛ اما آن‌جا صاحبخانه نیست، همه او را بیگانه می‌دانند، کسی او را صاحب حق نمی‌داند، با او احساس خوشایندی نمی‌کند؛ این کجاست؟

اینطور نیست که رفتن به خارج امتیازی محسوب شده‌ته، مانند در این‌جا امتیاز است. شما در خانه خود، برای مردم خود و برای خانواده خود کار می‌کنید؛ و این ارزش بسیار بالایی است. نخبگان از این ملت و از این کشورند و توقع ما این است که برای این ملت و این کشور هم باشند. البته به مسئولان هم مرتباً سفارش می‌کنیم و بر خودمان هم لازم می‌دانیم که از این جماعت نخبیه - که ذخایر کشورند - استفاده و حمایت کنیم.

۶۹ **یک انسان نخبیه زمانی سر ببلند است که بتواند در بهبود اوضاع کشور و ملت خودش نقش ایفا کند**

مسئله خروج نخبگان از کشور - من چند بار تا حالا این را گفته‌ام - به‌طور مطلق موضوعی منفی نیست؛ زیرا ممکن است نخبیه‌ای از کشور خارج شود و بخواهد معلوماتی کسب کند و بعد برگردد و برای کشور مفید باشد. البته بهتر این است که ما امکاناتی را برای همین نخبیه فراهم کنیم، تا در خود کشور آنچه را که از نظر رشد و شکوفایی استعداد لازم دارد، مهیا شود؛ کارگاه داشته باشد، محیط مانور علمی و تحقیقی داشته باشد؛ این بهترین است؛ اما اگر نشد، نخبگان بروند - فضای دنیا فضای وسیعی است - منتها این رفتن باید با حساب و کتاب انجام بگیرد؛ یعنی آن نخبیه بدانند که برای چه دارد می‌رود؛ چه می‌خواهد بکند و پس از آموزش آنچه را که لازم دارد، چه استفاده‌ای می‌خواهد از آن دانش بکند. آیا از آن دانش برای اعتلای کشور و برای پیشرفت ملت خودش و برای راه انداختن نخبگان دیگر کشورش می‌خواهد استفاده کند، یا نه، می‌خواهد آن را در خدمت یک کارخانه یا شرکت متعلق به یک سرمایه‌دار کانادایی یا آمریکایی یا اروپایی قرار دهد؟

این بزرگ‌ترین تحقیر یک انسان برجسته علمی است که تلاش کند، زحمت بکشد، کار کند و همه امکانات کشورش در واقع متهمی شود به پدید آمدن این



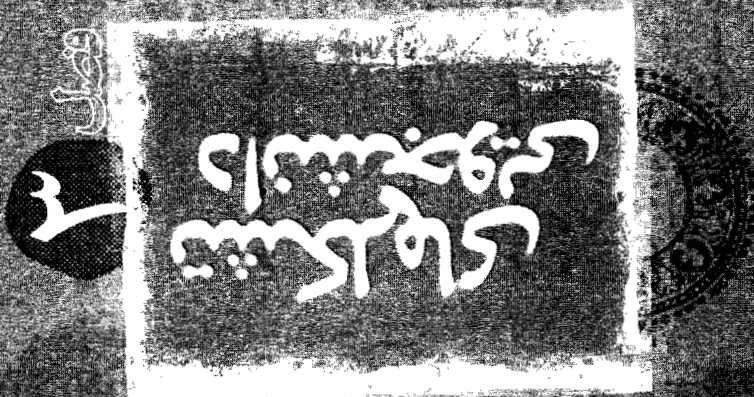
۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۳۸۳/۸/۱۰.



انسان نخبه، اما او در خدمت فلان کارخانه‌دار یا فلان کسپاتی دار هیچی ندان
 هیچی نفهم ضد بشر فلان نقطه دنیا باشد و آن شخص از این انسان نخبه به عنوان
 یک مهره و ابزار در مجموعه‌اش استفاده کند. یک انسان نخبه آن وقتی سرفراز
 سر بلند است که بتواند در بهبود اوضاع کشور و خانه و ملت خودش و بهبود
 زندگی و آینده و تاریخ انسان‌هایی که ذی‌حق نسبت به او هستند، نقش این
 کند.^۱

۷۰. هر چه عالم‌تر و نخبه‌تر می‌شوید، متواضع‌تر و مردمی‌تر شوید.
 نخبه بودن ملازمه‌ای با نخوت‌گرایی ندارد؛ البته من در شماها نمی‌بینم
 چهره‌های نورانی شماها این جور نشان نمی‌دهد؛ اما به هر حال مراقب باشید
 فضای نخبگی در کشور با فضای تکبر به کلی باید جدا شود. هر چه شما
 موفقیت‌های علمی تان بیشتر شد، هر جا به تحقیق جدیدی دست یابید
 توفیق بیشتری پیدا کنید، متواضع‌تر، مردمی‌تر و خالصه، خاکی‌تر شوید؛ این
 است که می‌تواند تداوم پیشرفت‌ها و فایده وجود شما را بیشتر کند.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان، ۱۳۸۳/۷/۵.
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان، ۱۳۸۳/۷/۵.





تشکل‌های دانشجویی

۷۱. ویژگی‌هایی که اگر در تشکل‌های دانشجویی فراهم آید، آن مجموعه از مبارک‌ترین مجموعه‌ها است

چون بودن، دانشجوی بودن و از پیکره یک مجموعه فعال اسلامی بودن، هر یک به تنهایی فرصتی است که باید مقتضاً شمرده شود و ارزشی است که باید گرامی داشته شود.

مجامع اسلامی دانشجویی دارای این هر سه خصوصیت ممتاز است. اگر صفا و نشاط و آرمان‌خواهی و تلاش امیدوارانه که خصوصیات جوانی است، با فرزاندگی و اندیشه ورزی و نگاه عالمانه که ویژگی‌های دانش‌پژوهی است با بهره‌رگاری و پاکدامنی و تعبد دینی که لازمه اسلامی بودن است در تشکل‌های دانشجویی فراهم آید، این مجموعه‌ها از جمله مبارک‌ترین مجموعه‌های انسانی به شمار خواهد آمد. هر یک از سه خصوصیت یادشده را آفاقی تهدید کند که باید هوشمندانه از آن بر حذر بود.^۱

۱. پیام رهبر معظم انقلاب به اردوی تحکیم و وحدت، ۱۳۸۰/۶/۳.



۷۲. سه وظیفه اساسی تشکل‌های دانشجویی

به نظر من سه وظیفه اساسی بر دوش تشکل‌ها است:
یکی این که مجموعه دانشجویی را از لحاظ روحی و معنوی تغذیه کنند...
آن دانشجویی که با خدا انس ندارد، آشنا نیست و هیچ رایحه‌ای از گلستان معنوی وجود انسان به مشامش نرسیده است، خیلی ناقص است. آن جوانی که با وجود داشتن دل شفاف و روح آماده، اصلاً لذت ذکر خدا را نخیشیده، از نماز لذتی نمی‌برد، از دعا، ذکر، تضرع، گریه و انس با پروردگار عالم، از پیوند با زیباترین حقایق وجود - که وجود مقدس باری تعالی است - هیچ بهره‌ای نبرد است، این خیلی ناقص، محروم و قاصر است. شما در این جهت هم تعهد دارید که دل‌ها را روشن و با خدا آشنا کنید. انس با خدا را تعلیم بدهید و لذت ذکر را پیشنهاد کنید.

اگر کسی لذت ذکر الهی و انس با خدا را چشید، بداند که هیچ لذت دیگری به دهانش مزه نمی‌کند. همه این لذت‌های زودگذر دنیا - حتی عالی‌ترین لذات - به نظرش بچه‌گانه می‌آید. آن کسانی که اهل این چیزها هستند، آن‌ها صادق‌اند و به ما این چیزها را گفته‌اند. هر کسی هم ممکن است بالاخره در مدت عمرش، کم و بیش توفیقی پیدا کند و لذت ذکر الهی را لحظه‌ای درک بکند. این هدیه بزرگی است که شما باید به جوانان دانشجوی بدهید. این جوان‌ها - دخترها و پسرها - روح‌های آماده دارند. این‌ها را با نماز آشنا کنید. نماز یک بار بر دوش انسان نیست. بلکه یک لطف و یک درجه است. اگر خدا به من و شما اجازه نداده بود که با او حرف بزنیم، ما چه کار می‌کردیم؟ اگر انسان اجازه نداشت زبان به دعا و مناجات باز کند، چه می‌کرد؟ چطور می‌توانست روح تشنه و گرسنه خودش را اشباع کند؟ چه چیزی غیر از انس با خدا می‌تواند این روح تشنه انسان را سیراب بکند؟ ... چه کسی می‌خواهد این معنویات را به این جوان‌ها یاد بدهد و دست آن‌ها را بگیرد؟ این به عهده شما است. این وظیفه بزرگی است؛ آن را ک بگیرد.

مسئولیت دوم، مسئولیت سیاسی است. ببینید، من بخشی را مطرح کردم. این بحث هیچ وقت در محیط‌های دینی مطرح نشده بود نه در سخنرانی‌ها، نه در بحث‌های دیگر. من این بحث را مطرح کردم، تا افرادی که در مسائل تاریخ و مسائل سیاسی، اهل مطالعه و فکر هستند، آن را دنبال کنند، آن بحث عوام و خواص است... خلاصه بحث عوام و خواص ما عبارت است از این که بعضی از خواص خیانت می‌کنند و بسیاری از عوام بدون توجه، به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند. این مشکلی است که همیشه ممکن است پیش بیاید.

عزیزان من، تعدادی از خواص، دانسته و فهمیده خیانت می‌کنند؛ راه را کج می‌روند، دنبال هوای نفس، دنبال زندگی شخصی و دنبال پول و مال و ثروت و حاکمیت و قدرت و تمصبات و بقیه خواسته‌های خودشان می‌روند و خواص هم هستند! بسیاری از عوام هم از آن‌ها تبعیت می‌کنند. بسته به شانس آن‌ها اگر این شخص خاص که منحرف شده است، آدمی باشد که جذایت‌هایی در وجودش باشد، آن وقت وای به حال مردم و وای به حال عوام!

حال شما در مقابل این مشکل، می‌خواهید چه کار بکنید؟ این است که من می‌گویم دانشگاه‌ها باید سیاسی بشود؛ معنایش این است. یعنی شما کاری بکنید که در محیط دانشجویی، عوامی وجود نداشته باشد. قدرت تحلیل در یکایک عناصر دانشجوی وجود داشته باشد. ای بسا آدمی که تا حد وزارت هم بالا می‌رود، اما جزو عوام است؛ یعنی قدرت و موضع‌گیری ندارد. یک راه روشن بینانه اتخاذ نمی‌کند. معنای عوام این است. اگر محیط‌های دانشجویی ما، که فردا بنا است سطح عظیمی از دانش و مناصب حساس و مراکز حساس جامعه ما را اشغال بکنند، انسان‌هایی دارای قدرت تحلیل و با جهت‌گیری درست باشند، آن وقت این مشکل، به مراتب کم خواهد شد. بنابراین باید پیشگیری کنیم. باید پیشگیری کرد، این به عهده شما است....

مسئله دیگری هم وجود دارد و آن مسئله سوم است. رابطه شما با خودتان. متأسفانه من می‌بینم که بچه‌های مسلمان داخل دانشگاه‌ها، گاهی این قدر با هم





اختلاف و درگیری پیدا می‌کنند که اصلاً مجالی باقی نمی‌ماند که کار بکنند! متأسفانه بعضی‌ها در داخل دانشگاه، به نام اسلام، کارشان این شده است که به ارزش‌های موجود جامعه، دست اندازی کنند یا فراد، یا به جهت‌ها و امثال آن. بابا، به کار خودتان بپردازید. در داخل دانشگاه، مهم‌ترین مسئله شما، دانشجویان هستند. غفلت و بی‌توجهی می‌کنند. البته اینی که ما می‌گوییم به کار دانشجویی بپردازید، معنایش این نیست که دانشجویان به مسائل سیاسی جامعه نپردازند؛ نه، باید حتماً به مسائل سیاسی جامعه و جهان بپردازند. اگر شما سرتان را پایین انداختید، از همه چیز محروم خواهید ماند. باید سر بالا باشید، باید دید شما وسیع باشد. باید افق دید، کاملاً دور و فراگیر باشد. لیکن نباید از مسائل دانشجویی غافل بشوید.^۱

۷۳. ارتقای فکری دانشجویان در زمینه فرهنگ و سیاست باید در

صدر فعالیت تشکل‌های دانشجویی قرار گیرد

دل بی‌آلایش جوان، هنگامی که با نور ایمان و فروغ اندیشه عالمانه روشن شود گنجینه‌ای الهی است که فرآورده‌های آن، امروز و فردای کشور را بهر مهندسی می‌سازد. در مرحله کنونی، آنچه می‌باید پس از تحصیل علم، در صدر فعالیت‌های دانشجویی قرار گیرد، ارتقاء فکری دانشجویان در زمینه فرهنگ و سیاست است.

امروز، هیچکس نمی‌تواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی کشور است، آنان در صددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه استکباری است، از ذهن‌ها و دل‌ها بزدایند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بگذارند، تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوری‌های زور و زور، در بسیاری از عرصه‌های

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵.

فرهنگی برای تردید افکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شیخون فرهنگی را جدی نمی‌گرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینند. بی‌شک نخستین آماج این شیخون، جوانان‌اند، به ویژه آنان که در جاده دانش و فرزاندگی قدم بر می‌دارند و آینده فرهنگی و سیاسی کشور در دست آن‌ها است.

درست است که دشمن به رغم تلاش و هزینه فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی به روشنی می‌دانیم که مهم‌ترین پاسخ کوبنده بدخواهان، معرفت و ایمان روشن‌بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است، و این‌ها همان است که تشکل‌های دانشجویی شایسته همت‌گماشتن و پرداختن به آن می‌باشند.^۱

۷۴. پایه‌های فکری، ایمانی و معرفتی خود و سایر دانشجویان را با

ارتباطات معنوی اثرگذار تقویت کنید

در دانشگاه، درس خواندن، فعالیت برای اسلامی نگهداشتن و هرچه اسلامی‌تر کردن فضای دانشگاه، حفظ روحیه پُرنشاط دانشجویی و تقویت پایه‌های فکری و ایمانی و معرفتی، از کارهای بسیار اساسی است. سعی کنید با دانشجویان دیگری که مثل خود شما هستند چه آن‌هایی که در تشکل دیگری هستند، چه آن‌هایی که در هیچ تشکلی نیستند، اما زمینه‌های خوب دارند ارتباطات خوب برقرار کنید. البته ممکن است تشکلی از لحاظ خیلی چیزها با شما همسو باشد و یا نباشد؛ اما سعی کنید این ارتباطات معنوی اثرگذار را با همه دانشجویان ادامه دهید و اثرگذار باشید.^۲

۱. بیانات رهبر مقام معظم رهبری به هفتمین نشست سالانه جامعه اسلامی دانشجویان، ۱۳۸۰/۶/۱۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای جامعه اسلامی دانشجویان، ۱۳۸۱/۶/۱۶.





۷۵. تشکل دانشجویی باید حركتش در جهت کیفیت بخشیدن به

ارزش‌های دین و انقلاب باشد

شما می‌خواهید محیط دانشجویی را کیفیت بخشید؛ آن هم در جهت دین و حرکت انقلاب. اگر دیدیم یک تشکل دانشجویی وجود دارد، اما حرکت آن در جهت کیفیت بخشیدن به ارزش‌های دین و انقلاب نیست، این تشکل مطلقاً جزو مخاطبین ما نیست و در این مجموعه هم جای نمی‌گیرد. هر چند اسمش انجمن اسلامی باشد، دروغ است؛ انجمن اسلامی نیست. من می‌بینم که گاهی تشبیهاتی از این قبیل در گوشه و کنار انجام می‌گیرد؛ حمل می‌کنم بر این که جوان هستند و غفلت می‌کنند. اما شماها که می‌خواهید ملاحظه کنید، ملاحظه این را بکنید که ممکن است غفلت هم نباشد؛ و واقعاً کسانی از پشت، حرکتی را انجام می‌دهند؛ که باید شما خیلی هشدارانه بر خورد کنید. این مسئولیتی بر دوش شما است.^۱

۷۶. اصراور ندارم که همه تشکل‌های دانشجویی یکی شوند

انجمن‌ها یا جامعه اسلامی یا تشکل‌های دانشجویی دیگر - بسیج، دفتر نمایندگی - و افرادی که مشغول این کارها هستند، به نظر ما همه خوب هستند همه هم اسلامی و دانشجو هستند. مانعی ندارد و باشد و با همدیگر کار بکنند به نظر ما هیچ ایرادی ندارد. تعارض نباید باشد. من بر این اصراور ندارم که همه این اسم‌ها یک اسم بشوند؛ نه. شدند که شدند، نشدند هم مانعی ندارد. این محظور بزرگی نیست. محیط بزرگی است؛ بالاخره اختلاف سلیقه وجود دارد اختلاف سلیقه هم ایراد ندارد. باید با هم بسازند.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵.

۷۷. اتحاد تشکل‌های دانشجویی

بنده اعتقادم این است که اتحاد تشکل‌های دانشجویی چیز خوبی است، منتها نه به این معنا که همه تشکل‌ها از بین بروند و یک تشکل به وجود بیاید؛ این تجربه درستی نیست. چیزی نخواهد گذاشت که همان تشکل هم دچار مشکلات فراوان خیلی از تشکل‌ها خواهد شد. راه درست این است که این تشکل‌های دانشجویی که هستند، با تفاهم، حقیقتی و آن چیزی که خاصیت دانشجو است، خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند؛ حرف حق را بگذارند و وسط و جانبداری‌ها و مخالفت‌ها از استدلال و منطق ناشی شود.^۱

۷۸. هشدار به انجمن‌های اسلامی دانشجویی

برخی از سر بدخواهی سعی دارند انجمن‌های اسلامی دانشجویی را دچار نگاه بدبینانه و مایوسانه یا رویگردانی از آرمان‌های ولای اسلامی یا گرفتار وسوسه‌های سیاسی و اخلاقی و دنباله‌رو جریان‌های وابسته به آمریکا و غرب نمایند. این به طور کامل عکس آن چیزی است که فلسفه و قاعده منطقی انجمن‌های اسلامی را تشکیل می‌دهد است. در این انجمن‌ها امروز نیز ایمان و انگیزه پاک، نقش آفرین است و باید هرچه نقش آفرین‌تر و اثرگذارتر باشد.^۲

۷۹. بسیج یعنی چه؟

وقتی می‌گوییم «بسیج» معنایش این است که مجموعه‌ای مورد نظر است که در عرصه مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و حضور دارند؛ غایب نیستند، آماده‌اند. بسیج شدن نیرو، معنایش این است دیگر؛ وقتی می‌گوییم نیروها را بسیج کردیم، یعنی چه؟ یعنی به این‌ها آمادگی لازم برای حضور در میدان کار، میدان مبارزه و مجاهدتی که مورد نظر است، داده‌ایم.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۹/۷.
۲. پیام رهبر معظم انقلاب به اردوی تحکیم وحدت، ۱۳۸۰/۶/۳.



پس در کلمه «بسپج»، معنای حضور و آمادگی، آن هم در حد فداکاری هست. در جنگ هم وقتی می‌گفتیم «بسپج»، آن معنایی که به ذهن ما متبادر می‌شد، عبارت بود از زبده و عصارهٔ بهترین نیروهای کشور و جامعه. بسپج، یعنی نیرویی که این وظیفه را بر حسب حد و حدود و خط‌کشی‌های رایج اداری و قشری، بر عهده‌اش نگذاشته‌اند؛ اما داوطلبانه وارد میدان شده و دارد ابراز آمادگی می‌کند و حضور خودش را اعلام می‌کند که این‌جا حاضریم.

عین همین معنا در بسپج دانشجویی، یا در بسپج‌های قشری، قهراً وجود دارد. بنابراین کلمهٔ بسپج، حامل یک چنین معنای عالی و فاخر و اهتمام‌برانگیز است.^۱

۸۰. آن کسی که آماده است در جهت تحقق آرزوها و آرمان‌های مادی و معنوی مردم کشور تلاش کند، در هر پست و مقامی باشد، بسپجی است

بسپج یعنی آمادگی؛ مجموعه‌ای از انسان‌های با فکر در هر جامعه‌ای از جمله در جامعهٔ ما؛ سرشار و لبریز از آرمان‌ها و آرزوهای اجتماعی، که آرزوهای شخصی آن‌ها خیلی در خور توجه در این مقام نیست. شما هر جوانی را، به خصوص اگر دانشجو، اهل علم یا استاد و دانشگاهی باشد نگاه کنید، می‌بینید برای آیندهٔ کشور، وضع کنونی و زندگی مادی و معنوی مردمش آرزوها و آرمان‌هایی دارد. آن کسی که آماده است برای این آرمان‌ها کار کند و در جهت تحقق آن‌ها تلاش کند، اسمش بسپجی است. خیلی‌ها آرزوهای بزرگی دارند، اما فقط به داشتن و اندیشیدن دربارهٔ اکتفا می‌کنند، لکن انسان‌های والا و باارزشی هم هستند که به این اکتفا نمی‌کنند؛ قلم در راه تحقق این

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای بسپج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۳۷۶/۱۱/۱۱.

آرمان‌ها می‌گذارند؛ اسم این افراد بسپجی است.^۱

۸۱. ویژگی‌های بسپج دانشجویی

عنوان «بسپج دانشجویی» از دو بخش تشکیل شده است که هر کدام از این دو بخش، نقل‌ها و داستان‌ها دارد، و به دنبال خودش تکالیفی بر دوش انسان می‌گذارد. یکی کلمهٔ «بسپج» است، یکی کلمهٔ «دانشجو» است. وقتی می‌گوییم «بسپج»، معنایش این است که مجموعه‌ای مورد نظر است که در عرصهٔ مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و حضور دارند؛ غایب نیستند، آماده‌اند. بسپج شدن نیرو، معنایش این است دیگر؛ وقتی می‌گوییم نیروها را بسپج کردیم، یعنی چه؟ یعنی به این‌ها آمادگی لازم برای حضور در میدان کار، میدان مبارزه و مجاهدتی که مورد نظر است، داده‌ایم.

پس در کلمهٔ «بسپج»، معنای حضور و آمادگی، آن هم در حد فداکاری هست. در جنگ هم وقتی می‌گفتیم «بسپج»، آن معنایی که به ذهن ما متبادر می‌شد، عبارت بود از زبده و عصارهٔ بهترین نیروهای کشور و جامعه. بسپج، یعنی نیرویی که این وظیفه را بر حسب حد و حدود و خط‌کشی‌های رایج اداری و قشری، بر عهده‌اش نگذاشته‌اند؛ اما داوطلبانه وارد میدان شده و دارد ابراز آمادگی می‌کند و حضور خودش را اعلام می‌کند که این‌جا حاضریم.

عین همین معنا در بسپج دانشجویی، یا در بسپج‌های قشری، قهراً وجود دارد. بنابراین کلمهٔ بسپج، حامل یک چنین معنای عالی و فاخر و اهتمام‌برانگیز است.

کلمهٔ دانشجو هم باز همین طوره؛ از لحاظ بار معنایی، از جهت دیگری حامل معنای خیلی جالب توجه و مهمی است. دانشجو یعنی جوان طاب علمی که آینده در دست اوست. این خصوصیات، در کلمهٔ دانشجو هست. دانشجو، یعنی جوان؛ چون دانشجویی، قهراً مربوط به دوران جوانی است.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان بسپجی، ۱۳۸۲/۳/۸.



مادی است؛ از این بدتر، آفت معنوی است که کسی به آن توجه نمی‌کند. مثلاً دانش‌جو خواهد که مردم، غرق در شهرات بشوند، دانش‌جو خواهد که مردم، غرق در بی‌ایمانی بشوند؛ خودش هم اصلاً اینطور باشد و به این سمت بتازد!

ببینید مسئله دانشجوی چه قدر حساس می‌شود! اگر ما معنای دانشجوی و مفاهیمی که منظوری و مندرج در عنوان دانشجوی است، به دقت مورد ملاحظه قرار بدهیم، باید نسبت به سرنوشت قشر دانشجوی خیلی حساس بشویم هر که هستیم؛ چه خودمان دانشجوی باشیم، چه استاد، چه از مسئولان آموزش عالی کشور، چه از مسئولان کشور و چه آدمی معمولی باشیم که داریم در خیابان راه می‌رویم اگر بدانیم دانشجوی یعنی چه، باید نسبت به سرنوشت دانشجوی خیلی حساس باشیم... بنابراین بسیج دانشجویی، یعنی دو عنوان که با هم ترکیب، و شما شده‌اید. این، ادعای خیلی بزرگی است! شما با همه نجات و خوبی‌ای که دارید و من هم واقعاً دوستان دارم، اما ادعایتان خیلی بزرگ است، بسیج دانشجویی، یعنی این عنوانی که در کلمه بسیج هست، خیلی مهم است؛ عنوانی هم که در کلمه دانشجوی هست، آن هم خیلی مهم است.^۱

۸۲. دو بسیج عمده در این کشور لازم است

دو بسیج عمده در این کشور لازم است: یک بسیج مردمی، به خصوص جوان‌ها است. باید برای آماده‌سازی خود و احیای عزت کشور و ملت و برافراشته نگاهداشتن پرچم اسلام بسیج بشوند؛ چون همه مشکلات این کشور در سایه اسلام و عمل به قوانین اسلام حل خواهد شد. جوان‌ها خودسازی کنند - هم خودسازی علمی، هم خودسازی اخلاقی و معنوی و دینی، هم خودسازی جسمی - و روحیه و امید خود را برای دفاع از این کشور حفظ کنند، که این سرمایه بسیار بزرگی است؛ نقطه مقابل آن چیزی است که دشمن مایل است در ایران اتفاق بیفتد....

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶/۱۱/۸۱.

طالب علم بودن و جستجوی از دانش هم در کلمه دانشجو هست. چون فرض این است که آینده کشور، به سمت اداره علمی کشور پیش می‌رود دیگر؛ یعنی به سمت اداره عالمانه و منطبق بر موازین دانش پیش می‌رود، و هر کشور و هر جامعه‌ای که علم و فهم و محاسبه دقیق، در همه شئون آن دخالت داشته باشد، وضعش بهتر است.

بنابراین دانشجو یعنی کسی که ناظر به آینده، و متعلق به آینده است؛ آینده هم متعلق به اوست. ببینید، این عناوین و مفاهیمی که در کلمه دانشجو گنجانده شده، خیلی مهم است. به همین دلیل، فوراً این‌جا استفاده کنیم؛ اگر دانشجو از لحاظ جهت‌گیری فکری و سیاسی دچار انحراف باشد، مصیبت بزرگی خواهد بود. درست است؟

اگر هدف دانشجو این باشد که درس بخوانم، برای این که زندگی شخصی خودم را مثلاً آباد کنم، بقیه هرچه شد، بشود؛ خطر خیلی بزرگی است. اگر جهت زندگی دانشجو این باشد که به مسائل جامعه و آنچه که می‌گذرد، بی‌اهمیت، بی‌اهتمام، بی‌علاقه و بی‌مبالات باشد، مصیبت خیلی بزرگ است.

فرض فرمایید به دانشجو گفته شود که بخشی از نیروهای کشور، دچار آفات عقیدتی و فکری اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه! همچنان که اگر بگوید بخشی از مردم در فلان جا دچار زلزله شدند و از بین رفتند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه!

بخشی از مردم از لحاظ وضع معیشتی دچار دشواری و مشکل اند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه! این حالت بی‌تفاوتی، مصیبت خیلی بزرگی است. کسی که بناست فردا امور مملکت در دست او باشد، این قدر نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت مردم بی‌اعتنا باشد، خیلی نگران‌کننده است. از این نگران‌کننده‌تر، این است که بی‌تفاوت نیست، حساس است متنها حساسیت منفی؛ یعنی درست علاقه‌مند به این است که بخشی از مردم جامعه فرضاً در یک زلزله نابود بشوند! حالا زلزله، یک مثال واضح، و یک نوع آفت جسمانی و



کسانی هستند؛ این‌ها را باید دانست؛ این‌ها آگاهی‌های لازم است.^۱

۸۲. دشمن از وجود بسیج عصبانی است، قدر بسیج را بدانید

دشمن از وجود بسیج عصبانی است؛ از تشکل بسیجی به شدت خشمگین است، چون کارایی آن را می‌داند. بسیج یعنی آمادگی برای اقدام؛ اقدام وسیع در برنامه ریزی کارهای بزرگی که برای پیشرفت کشور و بقای انقلاب و نظام لازم است؛ چیز کوچکی نیست، جمع جوان مؤمن فرزانه اهل درس و اهل فکر که آماده اقدام و کار هم است؛ همین، آمادگی و احساس آمادگی است که دشمن را دستپاچه می‌کند. در هر میدانی این آمادگی به درد می‌خورد؛ وقتی میدان علم است یک طوره؛ وقتی میدان کار و سازندگی است، یک طوره؛ وقتی میدان سیاست و دفاع است، یک طور دیگر. همین آمادگی است که روحیه شهادت طلبی و ترسیدن از مرگ را در انسان‌ها به وجود می‌آورد و همه معادله‌های جهانی را عوض می‌کند، زیرا همه معادله‌های جهانی بر این اساس است که انسان‌ها از مرگ ترسند؛ تهدید به مرگ در مقابل کسی کارآمد است که او از مرگ ترسد. اگر مجموعه‌ای از انسان‌های شجاع هستند که از مرگ نمی‌ترسند و آماده برای شهادت در راه اهداف و آرمان‌ها هستند، همه این معادله‌ها و محاسبه‌های جهانی را به هم می‌زند، لذا این‌ها به شدت خشمگین هستند.

قدر بسیج را بدانید؛ قدر دانشگاه را بدانید؛ محیط دانشگاه را محیط بسیج علمی و سیاسی و فکری و اخلاقی قرار بدهید. دانشجوی‌های غیر بسیجی مؤمن بسیاری هستند که اصرار بر این که حتماً باید نام بسیج روی آن‌ها باشد، نیاید کرد. مؤمنین بسیاری هستند، حالا داخل این مجموعه هم نیستند؛ مانعی ندارد، اما همان‌ها هم از نظر تعریفی که برای بسیج قائل‌اند؛ اگر این آمادگی در آن‌ها هست، بسیجی‌اند؛ بسیاری هم هستند که بی تفاوت‌اند. این‌ها اگر در عمل از جوان و اساتید و دانشجوی بسیجی، حسن عمل و رفتار، منابت در کیفیت و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۲/۲/۱۸.



مسئولان هم باید بسیج دوم را بکنند؛ بسیج در راه خدمت. مسئولان اجرایی کشور باید توانایی خود را در گشودن گره‌های کار مردم نشان بدهند

امکانات به اندازه کافی در اختیار مسئولان کشور هست برای این که بتوانند کارها را انجام بدهند؛ شرطش این است که کار را وجهه همت اصلی قرار بدهند. سرگرمی‌های سیاسی، طرح مسائل غیر لازم و خیالی، بزرگ کردن مسائل کوچک و در سایه بزرگ کردن آن‌ها، پوشاندن مسائل اصلی کشور، مضر است. مسائل اصلی کشور، مسئله اقتصاد و مسئله علم و ارتقای پایه علمی دانشگاه‌ها و همان جنبش نرم‌افزاری است که ما بارها در دانشگاه‌ها و در دیدار با دانشجویان و اساتید در میان گذاشته‌ایم؛ همچنین مسئله حفظ روحیه و فرهنگ دینی جوان‌ها است. این‌هاست که می‌تواند یک ملت و به خصوص ملت ما را سر پا و مستحکم نگه بدارد و توطئه‌های دشمن را خنثی کند.^۱

۸۳. بسیجی در دانشگاه یک نگاه به دانشگاه دارد یک نگاه به دنیا

بسیجی در دانشگاه یک نگاه به دانشگاه دارد، یک نگاه به دنیا. نگاه به رعایت اخلاق و جهت‌گیری سیاسی و ... نگاه به دنیا برای این است که ببیند این مجموعه (دانشگاه) که این همه حرف و گفت، علم، سیاست و فعالیت در آن هست، در کجای دنیا قرار دارد؛ نقش آن چه می‌تواند باشد و برایش چه جایگاهی در نظر گرفته‌اند. تا ندانند در کجای تاریخ، دنیا و سیاست قرار گرفته است، نمی‌توانند نقش درون دانشگاهی خود را هم درست بفهمند ... اگر بسیج بخواهد زنده، آگاه و فعال باشد و بجا و مطابق نیاز عمل کند، باید یک نگاه به داخل دانشگاه محیط کاری خود کند، یک نگاه به دنیا؛ ببیند در دنیا چه خبر است و ما کجاییم، برای ما چه فکری می‌کنند، در مقابل و طرف ما و جانبدار ما چه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز ۱۳ آبان، ۱۳۸۱/۸/۱۳.



۱۲



استحکام کاری را مشاهده کنند، به طور طبیعی در مقابل احساس خضوع می‌کنند؛ احساس قبول می‌کنند.^۱

۸۵. نگذارید بسیج را به میدان درگیری و کشمکش بکشانند
بعضی مایل‌اند مجموعه بسیج را به درگیری و کشمکش بکشانند. اصل درگیری و کشمکش بر خلاف مصلحت دانشگاه و جامعه است. گفتم که یکی از سیاست‌های دشمن این است که جامعه را جامعه پر تنش و دارای آشوب جلوه دهد و واقعیت‌ها را این طور کند. در جامعه‌ای که دارای آشوب است، هیچ کار مثبتی نمی‌شود انجام داد؛ آن‌ها این را می‌خواهند و برایشان فرق نمی‌کند که طرف آشوب چه کسی باشد. نباید بگذارید بسیج را به این میدان بکشانند. بسیج منطقی و سیاسی است، اما سیاست را با منطق، حکمت و فکر همراه می‌کند و حرف خود را عاقلانه می‌زند؛ مثل یک متفکر و صاحب نظر، نه مثل آدمی که چون حرفی ندارد، مشتش را گره می‌کند.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۲/۳/۱۸.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۲/۳/۱۸.